



گزارشی از اختناق سیاه مطبوعاتی در دوران رضاخان

به همراه اسناد منتشر نشده در بار پهلوی، پیرامون فعالیت روزنامه پیکار در برلین

گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

ما قدرت مطبوعات و جرائد را گرفته ایم و هیچ وقت پس نخواهیم داد!!

تیمورتاش وزیر دربار رضاخان^۱

سابقه مطبوعات در ایران به دوره قاجاریه برمی گردد. روزنامه نه تنها وسیله ارتباط جمعی و شیوه‌ای برای ارتباط و انتقال پیام‌ها و اخبار به مردم بود بلکه وظیفه سرگرمی و هم‌گرا کردن جامعه با نظام سیاسی حاکم را نیز به عهده داشت. مطبوعات از بدو پیدایش در ایران کم و بیش تحت سیطره سازمان‌های حکومتی بودند. اما این سیطره در دوران استبداد بیست‌ساله رضاخان با هیچ دوره‌ای از تاریخ دوران معاصر ایران قابل مقایسه نیست.

از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش که اهرم قدرت در دست دولت متمرکز شد و مذهب به عنوان تنها نهاد مدنی فراگیر و خارج از حیطه قدرت دولت، مورد تهاجم قرار گرفت و

۱. روزنامه مرد/مروز، ۱۳۲۳/۲/۲۹، ش ۳۲، ص ۱ و ۵؛ مظفر نامدار، چند قطره خون برای آزادی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱، ص ۵۴-۵۵.



جامعه‌پذیری در ایران ماهیت دیوانسالارانه پیدا کرد، کنترل شدیدی بر مطبوعات اعمال شد که این کنترل عموماً با سانسور دولتی و بگیر و ببند اصحاب رسانه، قطع روزه‌های ارتزاق مطبوعات و ایجاد عسر و حرج برای ادامه فعالیت‌ها و در نهایت تبعید و زندانی شدن بعضی از اصحاب رسانه همراه شد.



با مطالعه سطحی موقعیت مطبوعات در دوران رضاخان، به آسانی می‌توان فهمید که اغلب روزنامه‌ها یا باید به عنوان ابزاری در جهت مقاصد دیکتاتوری عمل می‌کردند تا فضای چاپ و نشر برای آنها فراهم می‌شد یا اگر کلمه‌ای خارج از منابع اصلی کسب اطلاعات که عموماً دولت و صاحبان قدرت بودند، اضافه‌تر نوشته می‌شد، نشریه متخطی، به خاطر این نافرمانی از هستی ساقط می‌شد. برای رژیم پهلوی مطبوعات موافق و مخالف تفاوتی نداشتند. اگر چه رضاخان غیر از زورگویی و حکم کردن در کی از فرهنگ، علم و دانش نداشت اما الیگارشوی جوشنفرانی که رضاخان را به قدرت رسانده بودند، پروپاگاندای نظام‌مندی بر مطبوعات حاکم کردند که جز تعریف و تمجید از خدایگان استبداد، سخن دیگری را بر نمی‌تایید. در سند زیر شیوه مکاتبه حسن وحید مدیر مجله *ارمغان* با وزیر معارف در گرفتن رتبه برای مجله جالب توجه است:^۱

۱. علیرضا اسماعیلی (به کوشش)، *اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضا شاه*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۶۸.

تشکر مدیر مجلهٔ ارمغان (حسن و حید) از وزارت دربار بخاطر حمایت‌های آن
وزارتخانه از مجله و درخواست بالا رفتن رتبهٔ اداری وی در وزارت معارف

تهران
مجلهٔ ارمغان

تاریخ: ۱۵ اسفند ماه ۱۳۰۷

خدایگان بزرگا

به شکرانهٔ این نعمت که آن خواجهٔ ارجمند به دستیاری دست کرامت مجلهٔ ارمغان را از آفت
تعطیل مصون و نگارنده ارمغان را از حملات دشمنان چیره‌دست که برای قطع مختصر حقوق
معارف وی کمر بسته بودند محفوظ داشته و می‌دارد قریب شش ماه هست قصیده‌ای [در تتبع
قصیده استاد کمال‌الدین اصفهانی مردّف به ردیف منظوم است و در اصفهان و تهران به هر
مجلس و محفل انشاء و آرزومند بودم که در موقع مناسب در آن محضر ادب مظهر از لحاظ
انور بگذرانم و چون این توفیق با اینکه از چند نفر دوستان ادب خواهش کرده بودم دست نداد،
اینک یک نسخه ارمغان محضر عالی گردید و هرگاه در موقع فراغت و تفریح احضار فرمایند
شفاهاً ادای وظیفه خواهم کرد و قسمت تظلم هم که نگاشته نشده به عرض عالی خواهم
رسانید.

در وزارت معارف با اینکه دیگران سالی دو سه رتبه بالا رفته‌اند رهی ده سال است در
رتبهٔ سه متوقف مانده و رفع این ظلم موقوف یک اشارت مختصر از آن خواجهٔ بزرگ است.
قبض اعانت ارمغان نیز تقدیم آستان گردید. سال قبل هم همین اوقات تقدیم شده بود.

زیاده عرضی نیست
[امضا: حسن و حید]

۱. در اصل: شکران.



مطبوعات برای این که از تیغ بی رحم سانسور شهربانی در امان بمانند نمی توانستند اوضاع اسفناک این دوره را ترسیم کنند. شدت سانسور مطبوعات به گونه‌ای بود که حتی برای مدیران مطبوعاتی که سر سپرده رژیم پهلوی بودند نیز قابل تحمل نبود.

مکاتبه زین‌العابدین رهنما مدیر روزنامه/ایران، عباس مسعودی مدیر روزنامه/اطلاعات و ابوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن که برای رفع توقیف و عدم سانسور در مورد روزنامه تخت جمشید درخواست داده، چند مورد از هزاران نمونه ناراضیان درون حکومت از اعمال کنترل شدید مطبوعات از مرحله گرفتن مجوز تا انتشار است.^۱

نامه مدیر روزنامه ایران (زین‌العابدین رهنما) به تیمور تاش در خصوص عدم امکان رعایت بخشنامه نظمی در مورد سانسور مطبوعات

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۱۵

تهران
روزنامه یومیه ایران

حضرت اشرف، مأمور تأمینات امروز صبح متحدالمال ضمیمه را به مطبوعات ابلاغ کرده است. انجام هیچ یک از این مواد سه گانه برای ادارات جراید عملی نیست. از آن گذشته با تهمیدی که حضرت اشرف از مطبوعات گرفته‌اید و در اداره نظمی موجود است این متحدالمال معنایی ندارد. در هرحال روزنامه ایران در موقع سختی سانسور هم از این قبیل مواد معاف بوده زیرا قطعاً بهتر از مأمورین سانسور نظمی به مملکت و اوضاع علاقه‌مند بوده است. مع‌ذلک هر طور حضرت اشرف امر فرمایید اطاعت می‌شود.

(امضا: زین‌العابدین رهنما)

مهر: | ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۲۸۸ خ

طبقه‌بندی: ۴/۵/۱

- ۱ - به مدیر توزیع اخطار کنید که هیچ روزی صبح و عصر روزنامه را بدون اطلاع و اخطار و اجازه مأمورین شعبه انتشار ندهد.
- ۲ - به کلیه ماشین‌خانه‌های مطایع اخطار شود که همه روزه باید روزنامه‌های چاپ شده را نگاه دارند تا از طرف نظمی اجازه انتشار آن داده شود.
- ۳ - به کلیه مطایع و مدیران جراید و اطاقهای حروف چینی اخطار شود که هیچ خبر و مقاله را بدون امضای مأمور سانسور نچینند و اگر فوریت دارد به شعبه مطبوعات بیاورند اجازه بگیرند.

۱. همان، ص ۱۱، ۸۲-۸۱ و ۱۴۳-۱۴۱.



تهران
روزنامه یوتیو ایران

تاریخ ۱۵/۱/۱۳۰۰ ماه ۱۳

نومبر ضمیمه

حضرت آیت الله العظمی بروجردی
اصبح کرده است. انجمن روحانیون از این مراسم گمانه بردارند و ادوات بولیه علی بن ابی طالب
از آن گذشته با قهر که حضرت آیت الله العظمی بروجردی گرفته اند و در اداره
تعلیم موجود است این تمهیدی که سفارش کرده اند در حال در زمانه ایران
در تمام کشورها نیز از این قبیل براداران ما هم زیر اقطاب خبر از
ما در تعلیم و تربیت و اوضاع عدل نمند هم است و در تمام این امور حضرت
آیت الله العظمی بروجردی اطلاع میدهند و در آنها

ورود دفتر وزارت دربار معلوم
تاریخ ۱۵/۱/۱۳۰۰
نومبر انبکاتور ۱۲۸۸
طبع به شماره ۵۱-۴





تقاضای مدیر روزنامه اطلاعات (عباس مسعودی) و عده‌ای از طرفداران آن از
رضاشاه و تیمورتاش مبنی بر رفع توقیف از روزنامه مذکور

تهران

روزنامه یومیه عصر

اطلاعات

مورخه: یکشنبه دوم آذر ۱۳۰۸

آستان مبارک بندگان اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداه
اوراق چهارساله روزنامه اطلاعات بهترین شاهد خدمتگزاری این روزنامه به مملکت است.
پیروی از نیت مقدس بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه [را] بالاترین
وظیفه ملی خود دانسته زیرا افکار مبارک شاهانه روی سعادت و ترقیات ملت و مملکت ایران
و تجدید عظمت و اقتدار این سامان می‌باشد و بدیهی است وظیفه هر وطن پرستی این است که
حتی القوه در انجام نیت مقدس همایونی که به خیر و صلاح و ابهت مملکت است خود را
موظف داند.

در این موقع که چاکر در پیشگاه ملوکانه مقصر واقع شده و روزنامه اطلاعات دچار تعطیل
گردیده می‌خواهد تقصد و عواطف شاهانه را شامل حال خود سازد. چاکر تقصیری متوجه خود
نمی‌داند زیرا در برابر یک اوراق چاپ شده رسمی که مخبر اداره به شکل متحد المال به اداره
برای طبع تسلیم داشته هیچ تصور نمی‌رفت انتشار آن بر خلاف میل و نظر دولت شاهنشاهی
باشد چنانچه همین تصور را سایر همکاران نموده و هیچ یک تشخیص سوء نداده به نشر آن
مبادرت ورزیدند و در اینجا تنها گناه روزنامه اطلاعات این بوده است که عصرها منتشر
می‌شود و اخبار را یک روز از سایر جراید زودتر نشر می‌دهد.

اینک با اعتراف به خبط خود از آستان مبارک بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی استدعا
دارد امر و مقرر فرمایند روزنامه اطلاعات که در مدت چهارساله دوام همیشه روی مصالح
مملکتی پیش می‌رفته و تحت توجه و حمایت ملوکانه موفق شده است در این عصر با افتخار
یک روزنامه عصر آبرومندی در مملکت باشد در محاق تعطیل و توقیف نیفتاده و قبل از اینکه
سکته [ای] به آن وارد شود از طرف ذات مقدس همایون شاهنشاهی امر به رفع تعطیل آن
صادر گردد.

[امضا: عباس مسعودی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

درخواست ابوطالب شیروانی (مدیر روزنامه میهن) مبنی بر رفع توقیف و عدم
سانسور در مورد روزنامه تخت جمشید

اداره روزنامه میهن

تهران

به تاریخ: ۱۸ تیرماه ۱۳۰۵

نمره: ۱۵۸۰

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

از قراری که مدیر محترم جریده شریفه تخت جمشید از شیراز می‌نگارد و بر حسب امر ایالت،
روزنامه او را قبل از انتشار توقیف و به علاوه سایر جراید فارس در تحت سخت‌ترین مضیقه
سانسور به سر می‌برند. اگر چه این رویه در مرکز مملکت نیز ادامه دارد لیکن ماها مکلف
هستیم تذکر بدهیم که در کابینه حضرت اشرف اختناق مطبوعات آن هم تا این درجه سخت و
غیر قابل تحمل سزاوار نیست و مقتضی است امر اکید به ایالت فارس در رفع سانسور و جبران
خسارات مدیر جریده تخت جمشید صادر و توسط بنده مرحمت شود که برای مشارالیه ارسال
دارم.

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد

[امضا: ابوطالب شیروانی]

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

شهر: ۱۳۰۵/۴/۲۲



کسب تکلیف تشکیلات نظمیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص معافیت
تعدادی از روزنامه‌ها از سانسور

وزارت داخله
[شیر و خورشید]
تشکیلات کل نظمیه مملکتی
اداره اطلاعات

به تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۶

نمره: ۶۷۲/۲۲۱

محرمانه - مستقیم

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکتہ

یک عده از جراید از قبیل ایران، شفق سرخ، ستاره جهان، کوشش، اطلاعات، گلشن، تجدد
ایران، ایران آزاد، امید، سعادت بشر، تشویق [و] آزادگان که مقرراتی را تعهد کرده‌اند از سانسور
معاف می‌باشند ولی بعضی جراید دیگر - اقدام، حصار عدل، توفیق، مجله سودمند، روزنامه
نرخسک فارسی ارمنی، روزنامه جوان ایران، مجله عالم نسون، مجموعه معارف - از مدتهای
قبل تحت سانسور بوده حالیه در اطراف گفتار سیاست آنان فقط اطلاعاتی تحصیل می‌گردد.
مرقوم فرمایید جراید اخیرالذکر از سانسور معاف باشند یا خیر.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ [محمد حسین] آیرم

[امضا]

[مهر]: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۶

نمره اندیکاتور: ۶۵۵





تکلیفات کل نظریه‌های آموزشی

اداره...
دایره...
شعبه...

ل-۱
تاریخ: ۱۳۰۴...
شماره: ۲۲۱
شعبه:

تعمیرات در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

گمیده از جایزه از پیش - ایران - شفق سرخ - تاره جهان - گمشده
اطلاعات - گمشده - سجد در ایران - ایران ازاد + امید سعادت
تولید - ازادگان - در دست راست را الهام کرده اند از سانس نور سانس
ولی بعضی چیزها دیگر - اقدام - حصار عدل - ترفیق - سجد در دست راست
نرخک فایز از سانس - روزنامه جهان ایران - سجد عالم نرن - سجد
سازمان از دستهای قلمبرگت سانس نور بوده عالی در اطراف کن
سیاست آنان فقط اطلاع عالی که سانس سانس در قوم فاسد جهان
اخیراً اندک از سانس معارف باشند یا خیر سانس سانس سانس سانس

ورود بدین وزارت مراد جلوه
تاریخ: ۱۳۰۴ / ۱ / ۲۶
شماره: ۵۵۵
۲

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

تاریخ تحریر: ۱/۳۰/ماه ۱۳۱۰

نمره کتاب: م/۶۵۵

تاریخ خروج: ۱/۳۰/ماه ۱۳۱۰

محرمانه

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

در جواب مراسله نمره ۶۷۲/۲۲۱، ۱۰/۱/۲۶ زحمت می‌دهد که به استثنای جراید مفصله

ذیل:

ایران، شفق سرخ، ستاره جهان، کوشش، اطلاعات، گلشن، تجدد ایران، ایران آزاد.

سایر روزنامه‌های مندرجه در مراسله فوق‌الذکر بایستی سانسور شوند.

[امضا: یوسف شکرائی]



مطبوعات برای تدوام حیات و استفاده از امتیازات حکومتی و در امان ماندن از تیغ سانسور راهی جز چاپلوسی و تعریف و تمجید از سوگلی‌های حکومت رضاخان نداشتند. سند زیر نمونه‌ای از اسناد بی‌شمار در این رابطه است.^۱

ابراز رضایت عبدالحسین تیمورتاش از مطالب منتشر شده در روزنامه
مساژه دو تهران

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۳۹۳/۴۱۶
تاریخ خروج: ۱۳۰۷/۱۱/۱۷

آقای ملک کرم مدیر جریده مساژه دو تهران

مشروحه امتنان‌آمیز شما مورخه ۲۹ ژانویه وصول داده و از شرحی که مبنی بر تحسین و تمجید از عملیات اینجانب نگارش رفته بود مسرت وافر و خشنودی کامل دست داد. البته وظیفه هر فردی از افراد مملکت این است که در تحت قیادت ذات مقدس ملوکانه در راه خدمت به وطن بذل سعی نموده و منویات خاطر خطیر شاهانه را مجری باشد. مخصوصاً جراید و مطبوعات که مؤثرترین عامل در ترقی و تکامل ملت محسوب و می‌بایستی تعقیب این منظور را پیوسته نصب‌العین قرار دهند. رویه روزنامه شما در این مدت رضایت بخش بوده و امید است در آتی نیز موفقیت کامل‌تری را احراز نماید.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]



در تمام دوران حکومت رضاخان مطبوعات حق نداشتند در دفاع از فلسطین، جنایت‌های رژیم صهیونیستی، حکومت آتاتورک در ترکیه و بهائیت مطلبی بنویسند. یهودیان صهیونیست که در تملق و چاپلوسی و دروغ‌پردازی ید طولایی در تاریخ دارند از این شرایطی که در دوران سیاه استبداد رضاخانی برای آنها فراهم شد با نگارش بیانیه‌های تملق‌آمیز و اعطای عناوینی چون «کورس کبیر ثانی» به رضاخان نهایت بهره‌برداری را کردند. اسناد زیر نمونه‌های گویای این سیاست در دوره حکومت استبدادی رضاخان است:^۱

دستور جلوگیری از درج مقالات راجع به فلسطین در جراید کشور

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۵۳۷۴

اسم پانویس کننده: سیدحسین

محرمانه

تاریخ تحریر: ۴ مهر ماه ۱۳۰۸

تاریخ خروج: ۶ مهرماه ۱۳۰۸

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیة مملکتی

در روزنامه اقدام نسبت به قضایای فلسطین مقالاتی مندرج شده که مفهوم آن بر ضد یهود و برله اعراب است. دو قطعه از بریده روزنامه مذکور که حاوی این مقالات است لغاً ارسال و لزوماً زحمت می‌دهد که از درج این قبیل آرتیکل‌ها^۱ [که] ایجاد کدورت‌هایی نموده و تحریکاتی را تولید خواهد کرد که منافی مصالح مملکت و برخلاف سیاست است لازم است اقدام مقتضی در جلوگیری از انتشار این گونه مقالات و تحریکات نسبت به هر دو طرف به عمل آمده و مقرر فرمایید عموم جراید طریقه بی‌طرفی را اختیار نمایند.

وزیر دربار پهلوی



تاریخ: ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۸

به خاکبای پدر تاجدار و ناجی ایران اعلی حضرت شاهنشاه ایران ارواحنافداه

قریب به دو هزار سال است که ملت یهود در تحت لوای دولت علیّه ایران می زیسته و زندگانی می نماید و از دوره کورش کبیر اول الی کورش کبیر ثانی اعلی حضرت پهلوی این ملت همیشه مطیع قوانین و مقررات دولت تابعه بوده و از هیچ گونه فداکاری خودداری و مضایقه ننموده است و خلاف امری هم از او سرزده است ولی متأسفانه در نتیجه تبلیغات بی جا بعضی مفسدین و در اثر بی مبالاتی زمامداران سلف دوره رژیم گذشته این ملت در تحت فشار و شکنجه عده ای بی سواد و اویاش گردید اما از دوره ای که آفتاب طالع ایرانیان درخشید و آن پدر تاجدار به زمامداری امور پرداخته این ملت هم از کلیه فواید این مملکت استفاده ننموده و با کمال آسودگی و آرامش زندگانی می نماید و هیچ وقت در پیشگاه باری تعالی فراموش زحمات پدرانه آن تاجدار را نمی نماید. همواره به دعا و ثنا ای آن ذات پاک مشغول است. اخیراً چنانچه شایع است در فلسطین بین اعراب و یهود بعضی اختلافات حزبی که معلوم و واضح است به واسطه چه و چرا است واقع گردیده است و اعراب یهود و بعضی ممالک نیز به واسطه حس همدردی یا سیاست در این گونه نمایشات شرکت جسته اند ولی ملت یهود ایران به هیچ وجه در این گونه سیاست های خارجی دخالتی نداشته و قعی به این گونه شایعات ننهاده مشغول کار خود می باشد. ولی متأسفانه دستجات مغرض که خیالی جز مشوب ساختن اذهان عامه و هرج و مرج نمودن مملکت هر روزی به شکلی و هر ساعتی به بهانه ای ندارند این قضایا را اهمیت داده مشغول بعضی تبلیغاتی هستند تا شاید بتوانند از این راه خیالات مفسدتجویانه خود را به منصف ظهور بگذارند ولی این ملت با عزم آراسخ و اراده آهنینی که نسبت به اعلی حضرت پدر بزرگوار خود سراغ دارد مطمئن است که ذره ای تجاوز نسبت به او نخواهد شد. از آنجایی که نماینده افکار یک ملت روزنامه است اینک لفاً یک قسمت از روزنامه اقدام را تقدیم و استدعای عاجزانه دارد که امر [و] مقرر فرمایند که از این گونه مطالب و اخباری را که زنده و تأثیر کننده و در جزو شایعات می باشند از درج آنها خودداری نموده و بر این ملت منت گذارند تا از هر گونه پیش آمد سوئی جلو گرفته شود.

امر امر مبارک



وزارت داخله
اشیر و خورشید
اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۹ مهر ماه ۱۳۰۸، نمره: ۱۰۰۵/۶۴، محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکتہ
در جواب مرقومہ محترمه نمره (۵۳۷۴) راجع به جلوگیری از درج مقالاتی که مربوط به
قضایای فلسطین و مفهوم آن بر ضد یهود و برلہ اعراب است معروض می‌دارد به کلیه مدیران
جراید اخطار گردید که راجع به اوضاع فلسطین مقالاتی درج ننموده و اظهار عقیده ننمایند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط شود.]



مکاتبه تشکیلات کل نظمیه مملکتی با وزارت دربار در خصوص چاپ اعلامیه‌ای در سالنامه پارس مبنی بر بهائی بودن اکثر رؤسای متنفذ ادارات دولتی و نفوذ آنها در جریانات سیاسی و داخلی ادارات، به انضمام مکاتبات صورت گرفته در این زمینه

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

نمره: ۱۹۳۷/۳۰۹

ضمیمه: سواد اعلان

محرمانه - مستقیم

به تاریخ: ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۸

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکتہ

طبق راپورت اداره اطلاعات در تقویم پارس ۱۳۰۹ یک صفحه اعلانی که سواد آن منضمماً تقدیم می‌شود طبع شده است که در آن اکثر رؤسای متنفذ ادارات دولتی راهائی معرفی کرده و جریان سیاسی و داخلی ادارات را نیز تحت نفوذ آنها قلمداد می‌نماید. چون انتشار اعلان مزبور در تقویم رسمی موجب توهین نسبت به دولت و ادارات دولتی و مذهب رسمی مملکت خواهد بود لذا از مدیر تقویم مزبور مؤاخذه متعذر است. با صدور اجازه مخصوص وزارت جلیله معارف طبع شده است لذا علت اجازه طبع از آن وزارت جلیله استعلام و برای توقیف اعلان مزبور اقدام مقتضی به عمل آمده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

[امضا: سرتیب محمد صادق کوپال]





وزارت داخله
 [شیر و خورشید]
 تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اعلان اقدس

آیا می‌خواهید با حقایق مذهب بهائی که دست اجنبی برای تولید انفاق و اختلاف در جامعه ایرانی ایجاد نموده آشنا شوید؟ آیا میل دارید از ماهیت این انجمن سرّی که در ادارات (۱) تشکیلات مخرب خود را مثل مرض جذام توسعه داده، جریان امور داخلی و ترفیعات و محاکمات اداری را از مجرای حقیقی منحرف کرده [و] ترفیع مقام و اضافه حقوق و محاکمات اداری و حتی استخدام را به مجرای پارتی بازی مذهبی انداخته است آگاه شوید؟ آیا می‌خواهید از... طایفه بهائی به جامعه ایرانیّت و مراسله‌ای [که به جمال پاشا سردار ترک نوشته و مشارالیه به اردوکشی بر علیه ایران ترغیب شده بود مستحضر گردید؟ اگر می‌خواهید معلومات فوق را تحصیل نمایید کتاب کشف الحیل تألیف آقای آقا میرزا عبدالحسین خان آیتی را که خودش مدت بیست سال مبلغ بهائی بوده است خریداری نموده مطالعه کنید. آقای آیتی اسرار داخلی این طایفه را برای شما شرح می‌دهد.

سالنامه رسمی مملکتی
عنوان تلگرافی پارس
تهران - ناصریه - تلفن ۱۱۱۱

تصدق وجود مقدست گردم مستدعیم عریضه ای که به خاکپای مبارک همایونی ارواحنا فداه لف این عرضحال است ملاحظه فرمایید و قبول کنید که به سر حضرت اشرف و به شرف ایرانیست قسم، بنده با کمال بی طرفی و از لحاظ این که مبدا بر خلاف نظر مبارک اعلی حضرت شهریاری اقدامی کرده باشم این اعلان را پذیرفتم. وزارت معارف هم امضا نموده بنده هم طبع کرده ام. امروز که سالنامه صحافی شده و باید چند روز دیگر یعنی ۲۰ بهمن ماه منتشر شود دچار این زحمت شده ام. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد که ملاحظه فرمایید بنده در این مورد کمال ملاحظه را از تمام جهات کرده ام مخصوصاً توضیحی در ذیل اعلان مذکور نوشته ام. حال نظر مبارک ذات اشرف هر چه باشد امر فرمایید فوراً اطاعت می کنم.

فدوی صمیمی

[امضا: محمدعلی امیرجاهد]





به طور کلی در دوران حکومت رضاخان، پنج فیلتر اساسی، انتشار مطبوعات را جز برای دولت، صاحبان سرمایه، احزاب و گروه‌های وابسته و ثناگویان دیکتاتوری، برای دیگر قشرها و نمایندگان فکری خارج از دایره حکومت غیرممکن می‌ساخت. این پنج فیلتر عبارت بودند از:

۱. فیلتر اخذ مجوز و تمرکز مالکیت بر مطبوعات

۲. فیلتر آگهی‌های دولتی به عنوان اصلی‌ترین منابع درآمد مطبوعات در این دوران

۳. فیلتر وابستگی مطبوعات به اخبار و اطلاعاتی که دولت، سازمان‌های تجاری وابسته به دولت و کارگزاران حکومتی به عنوان منابع اصلی ارتباطی و خبری در اختیار آنها می‌گذاشت.

۴. فیلتر مؤاخذه، تنبیه و بایکوت مطبوعاتی که از دستورات ابلاغ شده سرپیچی می‌کردند.

(سانسور)

۵. فیلتر اعلام برائت مستمر از گروه‌ها و مرام و مسلک‌هایی که مورد پسند رژیم

دیکتاتوری نبودند. مثل مسلک انقلابی روحانیت یا تمایلات کمونیستی و غیره.

اگرچه این اقتضائات ضامن دوام فعالیت‌های مطبوعات در دوران رضاخان بود ولی عموماً

اراده دیکتاتور فراتر از این فیلترها، حتی به سرسپردگان دربار پهلوی نیز رحم نمی‌کرد و

کوچکترین تخطی از فرمان خدایگان را بر نمی‌تابید. به عنوان مثال، محمدعلی مکرّم مدیر

روزنامه *صدای اصفهان* که کینه شتری نسبت به روحانیت داشت و در مقابله با دین و

روحانیت تمام‌قد در اختیار دربار پهلوی بود و از این جهت خدمات شایانی به رضاخان کرد

نیز از توقیف نشریه در امان نماند.^۱

۱. همان، ص ۲۷-۲۶ و ۲۲.



اعتراض مدیر صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) نسبت به توقیف بدون محاکمه
روزنامه مذکور، به انضمام جوابیه وزارت دربار

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب: ۲۶۰
از اصفهان به تهران. نمره قبض: ۱۷۷۸۱، نمره تلگراف: ۴۶۴، عدد کلمات: ۴۰، تاریخ اصل:
۲۴، تاریخ وصول: ۹/۲۵

توسط آقای نصرالملک سابق حضرت اشرف رئیس الوزرا دامت شوکت، کبیله حضرت اشرف
وزیر دربار پهلوی دامت شوکت، شایعات توقیف بی محاکمه صدای اصفهان حسب تقاضای
علما موجب یأس هر خادمی است. [انتظار جواب می رود.]

مدیر صدای اصفهان

مکرم

[بهر:] تلگرافخانه مبارکه

تهران

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.



[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۳۸۹۹
تاریخ خروج: فوق ۱۳۴۶

تاریخ اصل مطلب: ۷ دی ماه ۱۳۰۶
اسم پاکت‌نویس‌کننده: سیدحسن

آقای مکرم مدیر نامه ملی سپاهان
مراسله شما وصول داده بر مندرجات آن مستحضر گردید. خدمات شما به دولت و تنویر افکار
عامه معلوم و ملحوظ است. توقیف صدای اصفهان و نامه ملی سپاهان را شاید مقتضیات
خاص ایجاب کرده باشد و البته در موقع خود جبران خواهد شد.
وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۲۷۱
تاریخ اصل مطلب: ۲۰ دی ماه ۱۳۰۶

آقای مکرم

مراسلات شما متوالیاً رسیده جواباً زحمت می‌دهم که به پاره‌ای [ملاحظات، گاهی دولت به اتخاذ سیاستی مجبور می‌شود که نامطبوع به نظر می‌آید ولی پس از قدری دقت معلوم می‌شود که چاره‌ای] جز اتخاذ آن سیاست نبوده است. زحمات و خدمات شما فراموش نمی‌شود ولی فعلاً تا چندی صبور و بردبار باشید و برای آنکه کمکی در عالم بیکاری کرده باشم مبلغ یکصد تومان فرستادم ولی به احدی نباید بگویید که این وجه را فرستاده‌ام و حتی این پول را بدون اجازه ذات مقدس شاهانه ارواحنا فدا می‌فرستم و کسی نباید بداند.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

[حاشیه پایین: یکصد تومان برات بانک لفاً فرستاده شد.]





اسناد زیادی از دوران حکومت رضاخان وجود دارد که بخش اعظمی از مطبوعات را با دادن رتبه، موجب ماهانه یا دوره‌های، انحصار چاپ آگهی‌های دولتی و غیره در خدمت گرفته و از آنها در جهت تحکیم پایه‌های دیکتاتوری بهره می‌گرفتند که جای پرداختن به آنها در این گزارش نیست.

اسنادی که در این بخش منتشر می‌شود اسناد طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه حکومت رضاخان است که فعالیت‌های یکی از نشریات متمایل به کمونیست‌ها را در آلمان گزارش می‌کند. روزنامه پیکار یکی از محدود روزنامه‌هایی بود که در آلمان علیه حکومت رضاخان فعالیت می‌کرد. با وجود آن که روزنامه مذکور در ایران منتشر نمی‌شد و تأثیراتی در آگاهی درون جامعه ایرانی نداشت و تماماً یک روزنامه فرقه‌ای بود لیکن حکومت رضاخان نمی‌توانست حتی صدای یک نشریه نه چندان مطرح ایرانی در خارج از کشور را تحمل کند. فشار سفارت ایران برای توقیف روزنامه پیکار و کشاندن گردانندگان آن به دادگاه برلین و محاکمه مدیران این نشریه در دادگاه‌های آلمان از جمله مباحث مطرح در این اسناد است.

فرقه کمونیست ایران و نشریه پیکار

اسناد مربوط به تعطیلی و محاکمه روزنامه پیکار برلین که وابسته به حزب کمونیست ایران بود برای اولین بار از مجموعه اسناد دارالحکومه وابسته به دفتر ریاست جمهوری، توسط علیرضا اسماعیلی در سال ۱۳۷۷ در نشریه گنجینه اسناد منتشر شد.^۱



در سال ۱۳۸۰ بخش قابل توجهی از اسناد مربوط به مطبوعات و احزاب در دوره رضاشاه

۱. علیرضا اسماعیلی، «اسنادی از توقیف روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلین (۱۳۰۹-۱۳۱۱)»، گنجینه اسناد، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ش ۲۹ و ۳۰، ص ۳۸-۱۵.

منتشر شد که از صفحه ۱۷۷ تا ۲۹۰ مربوط به ماجرای تنش روزنامه پیکار با دولت رضاخان است. در سال ۱۳۹۵ تمام شماره‌های روزنامه پیکار (از بهمن ۱۳۰۱ تا دی ۱۳۱۱) توسط انتشارات شیرازه منتشر شد که در پیوست این مجموعه بخشی از مکاتبات دربار پهلوی درباره فعالیت‌ها و توقیف این نشریه در برلین آمده است.^۲

اسناد حاضر اسنادی است که در هیچ یک از این منابع تا به امروز منتشر نشده است و متعلق به آرشیو بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی است. امیدواریم انتشار این



اسناد درک عمیق‌تری از تاریخ دوران سیاه رژیم پهلوی و مصائبی که بر ملت ایران گذشت در اختیار خواننده قرار دهد و این فرصت را از جوشنفران غرب پرست چپ و راست، که با حمایت خود از رضاخان و رژیم پهلوی این دوران رعب و وحشت، وابستگی و عقب‌ماندگی را رقم زدند و اکنون می‌خواهند از این دیکتاتور حقیر انوشیروان دادگر بسازند، بگیرد.

قابل ذکر است که انتشار این اسناد به معنای تأیید نشریه پیکار که یک نشریه کمونیستی بود و از آبخور نظام منهدم‌شده کمونیسم بین‌الملل و سردمدار جنایت کار آن شوروی سابق ارتزاق می‌کرد، نمی‌باشد.

آن گونه که در شناسنامه این نشریه آمده است پیکار، به «فرقه کمونیست ایران» که بعدها خود را «حزب کمونیست ایران» خواند وابسته بود. فرقه کمونیست ایران، فرقه‌ای بود که ابتدا به نام «فرقه عدالت» در اردیبهشت ۱۲۹۶ در باکو تأسیس شد. این فرقه پس از نفوذ در نهضت اسلامی جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان، از غیبت میرزا و یاران او در رشت، استفاده کرد و با کودتای علی‌یه جریان اسلامی نهضت جنگل در ۹ مرداد ۱۲۹۹ ش با کمک کمونیست‌های کمیته مرکزی حزب عدالت و با حمایت ارتش سرخ شوروی، دولت جدیدی به ریاست احسان‌الله‌خان دوستدار - تروریست معروف کمیته مجازات دوران مشروطیت و یک بهایی بامرام کمونیستی که چندین ترور سیاسی بعد از مشروطیت در ایران انجام داده

۱. در چاپ روی جلد این نشریه به اشتباه به جای سال ۱۳۰۹، سال ۱۳۰۱ درج شده است.

۲. رضا آذری شهرزایی، پیکار در برلین؛ دوره روزنامه پیکار نشریه حزب کمونیست ایران، تهران، شیرازه، ۱۳۹۵.



بود - در رشت تأسیس کرد. در کابینه جدید افرادی مثل پیشه‌وری، آقازاده، علی خانف و آقایف با مرام کمونیستی، عضویت داشتند.^۱ با این کودتا مرکز فعالیت‌های فرقه عدالت از باکو به ایران منتقل شد.

فرقه عدالت در اولین کنگره خود که به فرمان انترناسیونالیسم سوم زیر سایه اشغال ایران توسط ارتش سرخ شوروی، از تاریخ ۲ تا ۴ تیرماه ۱۲۹۹ به ریاست آقازاده در شهر انزلی برگزار شد، نام فرقه را به «فرقه کمونیست ایران» تغییر داد؛^۲ و شروع به تبلیغ مرام کمونیستی در نهضت جنگل کرد.

میرزا کوچک خان در مخالفت با این فعالیت‌ها در ۱۸ تیر ۱۲۹۹ به نشانه اعتراض، رشت را ترک کرد و به فومن رفت و اعلام کرد اگر فرقه کمونیست فعالیت‌های مسلکی خود را رها نکند، باز خواهد گشت و متعاقب آن نامه‌ای به لنین نوشته و اعتراض خود را از این فعالیت‌ها اعلام می‌کند. چون فرقه کمونیست ایران یک جریان کاملاً وابسته به ارتش سرخ شوروی در ایران بود نهضت جنگل راه خود از این فرقه جدا کرد و میرزا به باران خود دستور می‌دهد که حق ارتباط با بلشویک‌ها را ندارند.^۳

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: محمدعلی احمدی، *گفتمان چپ در ایران*، تهران، ققنوس، ۱۳۹۷، فصل سوم، ص ۲۴۱-۱۶۷.

۲. *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران*، تهران، علم، بی تا، ج ۱، ص ۷۰؛ بیژن جزئی، *تاریخ سی ساله ایران*، بی تا، بی تا، ج ۱، ص ۸.

۳. *قیام جنگل، یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی*، با مقدمه و کوشش اسماعیل رائین، تهران، جاویدان، ۱۳۵۷، ص ۴۱-۳۶.

سند اول

نخستین سند که با «هوالحق» آغاز می‌گردد خطاب به مرحوم صادق‌خان کوچکی فرمانده گروهان مرگ در فومن است که در عمارت معروف فومن حکمرانی می‌کرد:

۱۲۹۹/۱۲/۹

هوالحق

آقای صادق‌خان کوچکی

چنانچه در کاغذ يك ساعت قبیل شما نوشته‌ام بازهم تذکار مینمایم بهیچوجه افراد شما حق ندارند با بالشویکها رفت و آمد داشته باشند و ابتدا هیچ کس حق ندارد چه با اسلحه چه بدون اسلحه از آب‌پسیخان به این طرف بیاید در صورت تخلف برای شما اسباب مسؤلیت خواهد بود و فعلاً يك طرفا پاکت را توسط یکنفر فوراً «بکسما» بفرستید خود او را در تحت نظر نگاهدارید تا حکم ثانوی مواظب باشید تا مدتی که در آن جا است با کسی حرف نزنند.

کوچک‌خان جنگلی

ملاحظه می‌شود، رهبر جنبش جنگل حتی از وجود يك بالشویک در دایره عملیاتی‌اش نگران است و دستور می‌دهد که او حق صحبت کردن با رزمندگان‌ش را نیز ندارد.





مواظب

۹۶/۱۲/۹

آه صادق قاتل گلک

فایده در گانه کجاست خبر جز زخمی ام با زخمی ام در آرزوی تمام پیوسته اواد

ناتی در آرزوی با بولکها رفت داد و اندر دست بسته در آرزوی

بمکن حق ندارد چه با بولکها مردن ایچم از آرزوی پستانم اینتر طرفت

در صورت تعقت برای آن ایجاب سئولیت فراهم بود و فدا

لیکن ایست را توسط کجف فردا کجا بیرونید همکار را

در وقت نظر نهی هر آید تا علم تا نور سوط بسته تا متن

در آرزوی یک سوط سئولیت

با این که سند دوم که شماره ۴۱۶ دفتر رهبری جنگل را دارد، مقدم بر نامه نخستین است ولی در مجموعه باقی مانده بعد از سند اول بدست صادق‌خان رسیده است :

۹ برج حوت (اسفند ۱۲۹۸) **هوالحق** نمره ۴۱۶

آقای صادق‌خان کوچکی دام‌اقباله

از این تاریخ به بعد بالشویکها حق ندارند از آب‌پسرخان باینجا بیایند البته پس از اعلام بایشان اگر تجاوز کردند جلوگیری کنید و بهیچوجه بایشان نه‌خودتان نه افراد نباید معاشرت بکنند شما حکم میکنم آقای سیدهادی‌خان را برای مدرسه روانه دارید .

کاظم‌خان نام که در دسته درویش‌علی‌خان است چون منسوب‌خالو قربان است همه وقت نزد خودتان نگهداری کرده کاملاً مراقب احوال او باشید تا راپورت بجائی نداده و چنانکه معروف است تبلیغی ننماید . یکی از افراد شما همه وقت سربرهنه میگردد نزد بعضی گفته که فالانی (یعنی بنده را) خواهم کشت سرآ تحقیق نمائید که راپورت مزبور صدق است یا خیر و ممکن است چنین فکری در کله او پیدا شود یا خیر و کاملاً مراقب حال او باشید . او را ق جوف را فوراً سوزانیده دیگر این قبیل مراسلات را برای بنده ننوشته و اگر هم بخواهید ارسال دارید سواد فرستاده و اسم‌دهنده راپورت را در کاغذ ذکر نکرده و بدیگری هم نگوئید سلام بنده را خدمت نویسنده آن تبلیغ فرمائید .

کوچک‌خان جنگلی
ملاحظه می‌شود که فکر کشتن میرزا کوچک‌خان ، یک سال قبل از شهادتش وسیله بالشویکان در نظر بوده و شاید هم شخص «سربرهنه» که وی در نامه بالا بدون اینکه نام ببرد ، از جمله عوامل مخالفان رهبر جنگل بوده است .

نکته دیگری که در این نامه تأکید شده مسئله پنهان کاری در سازمان اداری و سیاسی جنگلیان است که رهبر جنگل در سرنگه‌داری است که حتی نام گزارش‌دهنده و «سوء قصد» کننده نیز در نامه‌اش را نمی‌برد و حتی دستور سوزانیدن نامه‌های محرمانه و سری را بفرمانده گروهان مرگ می‌دهد و این دستورات دقیق اداری نمونه دیگری از وجود سازمان نسبتاً صحیح در بین جنگلیان بوده و خلاف نظر مخالفانش در تهران و یا مدعیان سالهای بعد در شوروی و یا نویسندگان خارجی که درباره‌اش بیهوده گوئی کرده‌اند ، بخوبی آشکار است .





بیت

تأملاتی بر مثنوی

۱۳۹۶

این آینه سینه با کوهها حق نداند که کلبه کجاست
 گویا در کوزه مویز کز سینه در سینه با این نه هفتان نه افغانی در سحر است
 بنا هم میخ تا سه سینه کدر خاواران در رنگ روزگار
 کلمه فغان هم در در کشته دروغ فغان هم چون منور فغان هم
 تو هفتان گنجه در کوه نامه راقت حال اریسته در اوست با نامه داده و فغان هم
 تا از افرات تا در همه دست بر بر میگذرد تو جمع گفته در فغان (فخر نیر) فغان
 ترا حقیق نامه در اوست در بر صحنی ایفر و کلبه ایفر
 کلک در کعبه ادویه ایفر و کلبه در کعبه حال اریسته
 ادواق خوب را فغان ترا سینه کبر این فغان مرا سینه سینه ایفر
 بخوابیم از حال دارم ناله فغانم در ام دهنده را و کعبه را در کعبه ذکر کعبه
 می گویند مهم نیر با حق فغان در سینه آن مستحق فغان

تذکره ملاقات خان کبیر دلم چابا

در عینه مراد در شیخ خان با کبیرها عتق از دسته که ترزا نعلی در آنجا کبیر
 کبیر و در علم نیست ما در این بیج با دایع او عتق دیگر است - با علم کبیر
 این کافه بنا رسیدند در دسته در شیخ را از دست و خانه توفیق نوزده
 در آنجا بسته - از قرار که طبع میبند توات و تپا چیت ما در کبیرها را کبیر در آنجا
 هم از این زن تافته کعبه در وقت در این کبیرها بسته و درین رسو ران
 در عینه کبیر نگاه در این کعبه در این زمانه عتق و بعد از آن
 هم ازین رفتار نوزاد با دهم و عتق نوزاد کعبه دارند از این کبیر
 کعبه با کبیرها کبیر کبیر که کبیرها را کبیرها در این کبیرها کبیر
 غر نوزاد علم را مجور در این کبیرها کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
 در کبیرها کبیر - کبیرها کبیرها که کبیرها کبیرها کبیرها کبیرها
 در کبیرها کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر



خیانت فرقه کمونیست ایران که بعداً حزب کمونیست ایران نامیده شد، یکی از دلایل اصلی تفرقه و در نهایت شکست نهضت جنگل بود. این حزب و رهبران آن مثل احسان‌الله‌خان دوستدار، پس از انجام مأموریت خود در نهضت جنگل با دستور شوروی، در خدمت رضاخان درآمدند. در سال‌های اولیه ۱۳۰۰ش سیاست حمایت از کودتای رضاخان به طور جدی در دستور کار بسیاری از کمونیست‌های ایرانی قرار داشت. از نظر کمونیست‌ها، کودتای رضاخان در راستای اهداف انقلابی بود و معتقد بودند که حمایت از رضاخان حداقل، حمایت امپریالیسم انگلیس و جناح حامی آن یعنی زمین‌داران بزرگ را تضعیف خواهد کرد و به تقویت جنبش آزادیبخش ملی ایران خواهد انجامید. از نظر کمونیست‌ها، رضاخان نماینده بورژوازی ملی در ایران بود و با کودتای وی حکومت فئودال‌ها سقوط و حکومت بورژوازی مستقر خواهد شد و وضعیت دهقانان فقیر بهبود پیدا می‌کرد و در سایه حکومت بورژوازی ملی، کاپیتالیسم در ایران رشد کرده و کشور مسیر ترقی و توسعه صنعتی را خواهد پیمود.^۱ حزب کمونیست ایران بر اساس همین توهمات، تا قبل از دومین کنگره خود در سال ۱۳۰۶ش از مدافعان و تقدیس‌کنندگان کودتای رضاخان بودند و در مبارزه رضاخان بر سر تخت سلطنت، اتحادیه‌های کارگری را به سمت حمایت از وی سوق دادند.^۲ اما از کنگره دوم به بعد یعنی از سال ۱۳۰۷ش، که بر اساس تصمیمات کمینترن (اتحادیه احزاب کمونیسم جهان)، فعالیت‌های کمونیستی در کشورها تشدید شد، حزب کمونیست ایران سیاست گذشته خود را در دفاع از کودتای سیاه، اشتباه دانست و کمونیست‌ها که هیچ وقت استقلال فکری در ایران نداشتند و دستورات را از ارباب خود شوروی می‌گرفتند، بعد از هشت سال تازه فهمیدند رضاخان از ابتدا نه تنها موقعیت انگلستان را در ایران تضعیف نکرد بلکه از اساس عامل انگلیس بود!!^۳

بیژن جزنی می‌گوید: «با اشتباه شوروی در شناخت حرکتی که آغاز شده بود کمونیست‌ها که این نام را خیلی آسان بر خود نهاده بودند، بیش از پیش گیج شده و فریب رضاخان را خوردند.»^۴

از سال ۱۳۰۶ش که آرام آرام پایه‌های دیکتاتوری خشن رضاخان تثبیت شد و مخالفین یکی پس از دیگری یا کشته شدند یا به حبس و تبعید رفتند، فضای فعالیت‌های جریان‌های

۱. محمدعلی احمدی، همان، ص ۲۳۱-۲۲۹.

۲. سپهر ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۶.

۳. محمدعلی احمدی، همان، ص ۲۲۹؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، همان، ص ۹۹.

۴. بیژن جزنی، همان، ص ۱۹.

چپ نیز در ایران رو به افول رفت و از سال ۱۳۰۷ش به بعد، بخشی از فعالیت‌ها به خارج از کشور منتقل شد.

نشریه پیکار محصول یک چرخش مسلکی برآمده از ششمین کنگره کمینترن در مرداد ۱۳۰۷ بود. در این کنگره از جریان‌های کمونیستی جهان خواسته شد فعالیت‌های خود را به ارشاد روشنفکرانی متمرکز کنند که دارای تمایلات کمونیستی هستند.^۱

از سال ۱۳۰۹ تعدادی از دانشجویان ایرانی در آلمان تحت تأثیر اندیشه‌های کمونیستی فعالیت‌هایی را آغاز کردند. نشریه پیکار که اولین شماره آن در ۲۶ بهمن ۱۳۰۹ در برلین منتشر شد بخشی از این فعالیت‌هاست. این نشریه که آخرین نفس‌های حزب کمونیست ایران بود برای جذب این حلقه روشنفکری در خارج از کشور، راه‌افشای ماهیت رژیم کودتای رضاخان را در پیش گرفت. کمونیست‌هایی که تا دیروز راه را برای سیطره استبداد سیاه رضاخان بر ایران هموار کرده بودند و کودتا را توجیحات ایدئولوژیک می‌کردند امروز زست انقلابی در مقابل دیکتاتور بزرگ گرفتند. اگرچه این نشریه در خارج از ایران جز در محافل فرقه‌ای رونقی نداشت اما از آنجایی که اعتبار رژیم پهلوی در خارج از ایران را مورد پرسش قرار می‌داد و انتقادات تندی علیه رضاشاه منتشر می‌کرد، دربار پهلوی فعالیت آزادانه آن را برنتابید و تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا این نشریه را به تعطیلی بکشاند.

اسناد زیر و سایر اسنادی که شرح آن گذشت بیانگر این ماجراست. این اسناد به ترتیب تاریخ انتشار تنظیم شده و بخش اعظم آن مکاتبات طبقه‌بندی شده وزارت خارجه ایران با سفارت ایران در آلمان و بالعکس می‌باشد. از شرح و توصیف سندها به خاطر پرهیز از حجیم شدن متن از یک طرف و گویا بودن اسناد از طرف دیگر صرف نظر شد.

آن چه در مورد نشریه پیکار قابل تأمل است این که اغلب متون و منابع کمونیستی در شرح فعالیت جریان‌های چپ به ندرت نامی و یادی از این نشریه داشته‌اند و اگر در نظام جمهوری اسلامی ایران این اسناد منتشر نمی‌شد شاید هیچ‌گاه یادی از این تحركات در تاریخ ثبت نمی‌شد. همین سکوت یا فراموشی یا بی‌اعتنایی، خود نشان‌دهنده ارج و قرب این نشریه در تحولات جنبش چپ در ایران است.

اسناد این مجموعه در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول تصویر صفحات اول تعدادی از شماره‌های نشریه که دربار پهلوی را عصبانی کرد، آورده می‌شود و در بخش دوم چند نمونه از مکاتبات دربار پهلوی به خصوص با سرپرست محصلین دولت ایران در پاریس که در آن دوره محمدعلی جمالزاده بود آورده می‌شود تا خوانندگان نقش بعضی از

۱. سپهر ذبیح، همان، ص ۱۲۰-۱۱۹؛ بللیوسکی و دیگران، کمینترن و خاور، ترجمه جلال علوی‌نیا، تهران، بین‌الملل، ۱۳۶۰، ص ۲۰۰-۱۸۲.





جوشنفران غرب پرست را که در بست در اختیار استبداد پهلوی بودند و خلیقات هرهری مذهبی، بی اخلاقی و بی فرهنگی خودشان را به ملت ایران نسبت می دادند، بیشتر درک کنند. در بخش سوم مکاتبات طبقه بندی شده دولت ایران در خصوص توقیف، تعطیلی و محاکمه گردانندگان نشریه پیکار منتشر می شود که همان طور که اشاره شد، اسناد این بخش تاکنون در هیچ نشریه ای منتشر نشده است.

بخش اول: نمونه‌ای از صفحات نشریه بیکار

لند لندن که در ایران آدرس اداره: 32
 شماره: Berlin W 15, Pariser Straße 32
 in Germany Post Office, Berlin W 15
 در شهر: هر دو هفته یکبار منتشر میگردد
 ماهانه: ۶ دلار
 سال اولی: ۶۰ شماره
 تاریخ: ۱۳۶۳ خورشیدی
 شماره: ۱۱۰۰
 شماره: ۱۱۰۰

بیکار

عز باد قوانین توحش و بربریت!
 زنده باد جنبش زحمتکشان ایران!
 زنده باد انقلاب ملی ایران!

قوانین مصوبه به دولت مرتجع پهلوی بر علیه فرقه کمونیست ایران و وظایف فرقه کمونیست ایران

۱ - در تشریح مهدی سرچه که نماینده جسد بود...
 ۲ - جاسوسان که یکی از انقلابیون دوره انقلابات ایران...
 ۳ - در روزهای اخیر مجدداً از بواسط سرحدی (آستارا)...

و صحت تا گوار اقتصاد، مملکتی را در پی بد و دهان...
 در طبع ملائک و حکومت پادشاهی ایران...
 عناصر کمونیست در نظر ادبانت کمونیست حکومت مرتجع...
 فرقه کمونیست ایران و جمهوری مطلق و صوغ ایرانی...
 چندی نگذشت که در همین توکون پهلوی در پلنت...
 تریون پارلمان لنگر موجو حزب کمونیست فرقه جمهوری...
 قلند را گردید. هرگز آن گفته‌های، مطلق، فیهی...
 فرقهی شکست نده که بیستیم توسط همین درون...
 پهلوی ایران که فقط و فقط تفرش در دوره و عصر بربریت...
 و توحش، بیگانه بود. دست رشده فرقه کمونیست ایران...
 حزب جمهوری مطلق و صوغ ایرانی گذشته نمود...
 مابن قانون جدید هر فرد از افراد کمونیست و یا...
 جمهوریخواه ایرانی و هر فرد از ملل اقلیت که بخواد برای...
 آزادی و خوشحال افغانی کند بحسن از سه تا ده سال یا حبس...
 مود با امانت شاه دوازده خواهد گردید. حبس اینکه موجب...
 این قانون مابن هر فرد از ملل اقلیت که تنها بیچسب در...
 ایران حق ندارد که کمونیست و جمهوری خواه باشد. بلکه...
 ایران تمام مجامع به کمیسیون بر ضد رژیم پهلوی از کلمه...
 نگویند یا نبوسند و باید حتماً هنگامی ماضیت طلب بود...
 داشته و اگر غیر این بکنند واهی که ایران آندند مجازاتهای...
 مذکور درباره آنها به موقع اجراء گذارند بشود...
 در رایت همین ماده مادیاتی هم برانی رعایا و بدنگار...
 دهانی وضع کرده که هرگز آنها قانی بر طبع مطلق ورده...
 ملائک بر سر لب و تعذبات آنها نماید داس حدیث با نامتای...
 ملائک محکوم بدهاد میبوند.

جنایت‌های تازه حکومت

باز حریک که از ایران بازده رسیده مجدداً حکومت...
 مرتجع پهلوی مامردت مدو حجابت ملی کرد.

وضع قوانین رنگارنگ حکومت پهلوی چنگ نکره را...
 بنا بران میبدهد. که اساس حکومت رضامان بواسطه تعذبات...
 دانی بر نود افتر ایران مزارق شده و میخواد با این...
 تشکلات خود را حفظ کرده باشد...
 کمونیست میباید که فرقه کمونیست ایران و کلیه...
 جمهوری خواهان و انقلابیون ملل اقلیت بدون اعتنا...
 و توجه بیانگور، قوانین حرفه پهلوی مجامعت خود...
 امان خواهد داد. مخصوص فرقه کمونیست ایران که در مملکت...
 خود، کلمه میده آزادی را در ده مطلق است که بشکریکوت...
 خود مجدداً نظری اذیت و از تو آنها را با اسلوب مسخرتاری...
 تشکلات بداند...
 عناصر کمونیست و مزارق را که امروزه در حالت...
 و دودلی میباشند را محیط فرقه کمونیستی اجمع نمایند...
 بایستی خود هائی تأسیس و ماضیت را پیدا نمایند که...
 دیگر پیش سازمان لگنیرین قدر بکنند آنها نمایند...
 تشکلات فرقی و انقلابی چه موظف و مزارق میباشند...
 که در مملکت رضامان و انگلیس حده مقاومت و ایستادگی...
 کرده و آنها را در انتظار بوده داشت مطلق و رسوا نمایند...
 برای سرعت انتشار اذیت محلی فرقه کمونیست و حزب...
 جمهوری مطلق بایستی شخصی شخص انتخاب شده که بتواند...
 آنها را بدسترس عامه بگذارد و پیش کتر موق بگردد...
 آنها بشود...
 رفته بگذارد حکومت پادشاهی و فودالی پهلوی و



۱۱۷۹
 گزاشنی از اختناق سیاه مطبوعاتی در دوران رضاخان
 دوره سوم ■ سال هجدهم ■ شماره ۶۷ و ۶۸ ■ بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱. برای آشنایی با مدیر اصلی و گردانندگان نشریه بیکار و همچنین کیفیت شکایت دولت ایران از این نشریه در دادگاههای آلمان رک: رضا آذری شهرضایی، بیکار در برلین؛ دوره روزنامه بیکار نشریه حزب کمونیست ایران، همان.

فوت انفراک هو ایران، هر در هفته یکبار منتشر میگردد... Berlin W 15, Pasterer Straße 52... 15. September 1931



«پیکار» تنها نامه‌ایست که در ایران بر ضد حکومت چپ و راستپندان مبارزه مینماید. در قریح و افکار این نامه انقلابی بویید.

صورت املاک همایونی در مازندران

تنها در ایالت مازندران... این املاک را امپراتور روسیه در سال ۱۹۰۰... صورت املاک همایونی در مازندران... این املاک را امپراتور روسیه در سال ۱۹۰۰...

پروتست کارگران ایرانی بادکوبه بر ضد مظالم رژیم پهلوی

و دستاورد کنونی این ملت ایران اجاره... کارگران بادکوبه بر ضد مظالم رژیم پهلوی... و دستاورد کنونی این ملت ایران اجاره...



گزارشی از اختناق سیاه مطبوعاتی در دوران رضاخان... دوره سوم... شماره ۶۷ و ۶۸... بهار و تابستان ۱۴۰۰

فراش بادی شاه یا رئیس بلدیة طهران... در دوره قرون وسطی و ادوار استبدادی معسول این بود که مملکت را ملک شخصی خود دانسته و مطابق آن...



مرحمت برکز... آقا سرایب پادشاهی... این است اوضاع کنونی ایران بعد از جدت و پنج سال...

رجوع شود به صفحه ۳... این است اوضاع کنونی ایران بعد از جدت و پنج سال...

بسته اشتراک هر ایرانی، هر دو هفته یکبار منتشر میگردد
سایه ۲ تومان
Redaktion: آدرس تهران: Berlin W 15, Pariser Straße 52
در خارج: In Schillingstr. Carl Wilmar, Berlin W 15
شماره ۱۴
محل اول: تهران ۲۲ تیر ۱۳۳۱ شماره ۱۴
No. 15 15. October 1952 14. Anzahl



شبه از نهضت دهاقین
ایران
رجع شونده صفحه ۴

«شاهنشاه بیسوان»

حکومت پهلوی بیسویه دقوه و سایر وسایق دیگر در چراه اروپا برای خود بیلیغ نمیشد. هر اروپایی از ایران بی خبر که دامنگیری ایران باشد بیسویه دریافت چند عدد قالیچه موقوفه میگردد که بوی خود لافلاخلی بدرجراه اروپا بدرجج و نای حیوانی و شرفیات تیسیر آیسیر ایران دواج نماید. بدون شک و تردید غالب غلالی که بدرجراه اروپا بدرجج و بدرجج حکومت رداشان دواج میگردد باقی از این قبل برداست. ولی اگر اسبابا یک هر روزنه نویس اروپا لافلا درجراه اروپا دوگانه هر چه راست نویس اروپا است که درجراه چیرمخود بدرجج هر چه از زانسان بدرجج آید بان بیجانه پریانی نمیشد. همین بافردا برسر هلسی منیر روزنه ولو اروپا در آرزود. درموردیکه آن شخص هیچ چیز نوشته بود چراکه رداشان دایران یک حکومت آسینداری برقرار نموده است.

اینکه برای آنکه امر بر خود خضران هم منته نمود ما شمه ازفتنرات اخیر جراه آلمان دواج باایران دواج می‌نماییم.

تو نمایان که بدست قبل مسافری ایران و سایر تالک مرفی روزنه و دواج بشرقی کانی موسوم به شمه ازشرق، منتشر ساخت است درکتاب خود. پس از نمایه رداشان با این نمود بافردا جیز می‌نویسد.

بلاشک ازجنت شخصیت ردا نشان براب پشتر از این نمود است. معاللات و نصول خصوصی ردا نشان که امروزه یک قسمت اعظم مازندران با مسافرتیزین ایاات ایراند ا ملک شخصی خود نموده است، ماچ افشاح است.

ابلیخرت مایزینی کمان میره که کسی از مسلمانان، ایدایش غیر شاره ظالی ازاینکه «معدمان» ایدایش ددروبا با کاتبها آمدست.

نویسنده این کتاب بدوخته قبل بدیجله صومردیج غلال دواج بریدا نام نوشته است. مترادف در خانه غلال مذکور می‌نویسد:

« این شاهنشاه بیسواد که در یک مملکتی حکومت می‌نماید همکارهای خود را از اتمشالی که مانند خود او هستند انتخاب می‌نماید.»

کوتور با کتور با باز
کنده همجنس با همجنس پرورز
میکور»

روزنه «Dortmunder Generalanzeiger» که مهمترین روزنه ایاتی آلمان است درمنش یک مقاله که براداری ما محرم و براس عاقدورا دایران شرح میدهد ددآخر مقاله می‌نویسد:

«دعزگرت و کتور ایران امروز جوانان را می‌بیند که عوض اینکه دردم محرم کتور وزارت یکند بازان ساده برای شیه غیر طای بدیجلی و فلاکت آفردا شرح میدهند. هر کدام از این جوانها که بدست حکومت جای آنها فروری درمنش خواهد بود روزنه که باقی درمنش میشود کتور از قنوت و برحیسی بشر نیست. مملکت آتیه

شده مبر... . بعد هر چند بدیجله روزنه «یکاره» شریک هر ۱۵۰ نفره باب میگردد نوشته است که آکا سید حسن مدرس اهلتهای که چه دود و کلن بود و عاقدت لیدر کتور شد دوان مکر کرد در زمانه، نه بکنه. بعد از دوسان کتور و فرید بریدم گذشت خویش مردم مکر میروان مرفی کتور با اگر دود میروانم افردا غده کتور بدین بکنش خود بود که همان اول خود کتور که نه درمیان رسیدن بین هرید «یکاره» و دود که غلط درمنش رده «نه کتور مدرس» فدا بدیج خود افردا که از طهران کتور کتور مکر مکر مکر کتور کتور و روزی و فرید و اشیری مردم و دواصل مکر این نگیندرا درج برناید. مکر مکر مکر مکر مکر

اگر و اما سید حسن مدرس پسرک شیبی مردم است پس چرا چراکه ایران دوگانه شبر فوت افردا نوشتند. مدرس که آدم کشانی نبود همین منته که شبر فوت افردا نوشتند و نهیج که خود بهترین دلیل براین است که مدرس در منش از کتور کرده اند و الا ازمان اول ممکن بود با دوگانه شبر فوت او دفع شو. غن بنیاید محتاج کتور کتور که مشهود ما غرضی از اتمشلی مدرس نیست چراکه ما با آن مرحوم هیچ نظریه مشترکی نداشت و درمنش غلط موضوع برسان است که دردم رداشان مکر مکر مکر مکر

بموجب شری که از طهران رسید بود ما درمنش با اطلاع مایم که مایورین تقالی سید حسن مدرس را که بدست دو سال در کتور و اشیراً درمنش جیس بود حسب الامر مایوری بافردا جیبی درمنش قاین شله نوشتند. اینک میج «چهره نامه» (۵۵ شماره) مکتوب یکی از خواننده کتور دد این موضوع درج می‌نماید که ما غن آسرا کتور می‌نماییم.

خفته کردن مدارس

بموجب شری که از طهران رسید بود ما درمنش با اطلاع مایم که مایورین تقالی سید حسن مدرس را که بدست دو سال در کتور و اشیراً درمنش جیس بود حسب الامر مایوری بافردا جیبی درمنش قاین شله نوشتند. اینک میج «چهره نامه» (۵۵ شماره) مکتوب یکی از خواننده کتور دد این موضوع درج می‌نماید که ما غن آسرا کتور می‌نماییم.



«والاحضرت! ماج و شخت کبان انظار مقدم تو را م دارد. آرزو دارم وزارتت در پیشگاه تو را بزمینم!»



دوره روزنامه پیکار (۲)
شماره ۶۷ و ۶۸ و چهار و تابستان ۱۴۰۰
سال هجدهم شماره ۶۷ و ۶۸ و چهار و تابستان ۱۴۰۰

حاکمه "پیکار" در محکمه برلین

"توبین" با علیحضرت و تبره مقصرین در محکمه عدلیه

پادری که چه از پادری است که در محکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...

در روز ۳۰ شهریور در محکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...

و علیحضرت و تبره مقصرین در محکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...

شیخ ذکرات در محکمه عدلیه

شیخ ذکرات در محکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...

اسناد و مدارک در محاکمه عدلیه

- ۱- اسناد و مدارک در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...
- ۲- اسناد و مدارک در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...
- ۳- اسناد و مدارک در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...
- ۴- اسناد و مدارک در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد و در محاکمه خود اظهار کرد که در محاکمه عدلیه برلین محاکمه شد...



گزارشی از اختناق مطبوعاتی در دوران رضاخان
دوره سوم ■ سال هجدهم ■ شماره ۶۷ و ۶۸ ■ بهار و تابستان ۱۴۰۰



پیکار

سال هجری ۳۰ شمس
شیراز
شماره ۶۸
روزنامه
پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۱
قیمت ۳۱۱

تذکرات: انصار تجارت و سید حسن یکتا علی بران
پیرنگ جدید: حزب سازی بهلولی - سال از بیم
انقلاب آریز - علی بهرگانکی ایلانیت چغلی -
عقل نیست و نیم بهلولی - کتب و یک باغی

پیکار اسرار فاش می نماید.

زندگی علی رضاشاه و رسوائی ایران

عبادت نفرت جنوب به که تعلق دارد؟ رضاخان با ابلهت ایران!

این تا قرون حکومت کان حق نفرت داشته اند. مردم این
ناظر این یک هیئت سرشناس را امر بر ایدان این هیئت
در روز دوازدهم دولت از این قلمرو از این هیئت
ناتوا و خوار ساختند. در این هیئت این هیئت
یکتای از این هیئت آمد، و حکومت رضاخان
نفس بر هیئت بر تاشی در هیئت که در هیئت
از یک کتای از این هیئت است. هیئت که در هیئت
از این هیئت و از هیئت است. هیئت که در هیئت
بر هیئت از این هیئت است. هیئت که در هیئت
از این هیئت و از هیئت است. هیئت که در هیئت

آنچه که در تاریخ ایران تکیس را دیگر حقیقت پیدا کرده است. صد؟! اطلالتش را که
و هیئت؛ شوست، هیئت رضاشاه که نیست که یکس با عبادت نفرت جنوب
دست اندازی خود نیست. ظهور یک بر سر هیئت رضاشاه با انقلاب حکومت ایران مایه
نفرت که کشنده آن چند هیئت بود و تکیس بر سر هیئت رضاشاه و دیگر که در هیئت است. یک
اطلاع حاصل نمود، امیر رضاشاه این هیئت را برار با کتای خود خیر نه با اسم
حکومت ایران کله با اسم هم می خورد و دیگر که در هیئت است. این هیئت که مایه نفرت را بر رضاشاه
خان جلالتش خود می برد. ایکس دلیل را.

رضاشاه و هیئت است. از آن پس کتا هیئت رضاشاه
مردم بر تاشی کرد. در این هیئت رضاشاه
از این هیئت رضاشاه است. هیئت که در هیئت
از این هیئت و از هیئت است. هیئت که در هیئت
از این هیئت و از هیئت است. هیئت که در هیئت



حکومت هیئت ایران که در روز رضاشاه
خان را رسوا و کتای خود به هیئت هیئت
از این هیئت رضاشاه است. هیئت که در هیئت
از این هیئت و از هیئت است. هیئت که در هیئت

این طور؟

این طور

مهرماه ششم ۱۳۳۳
چیتل
عماد پیکار
دوره ۳۰ شماره ۱۳۳
روز ۳۱

پیکار

فهرست منبئات: **حائین ریاضت خود اقرار کردند -**
بعیت و تخمین سال بازار ماگلس - **سریه علیه ملت -**
از دیار قزاقی یکی بران چیکلافی - **اراد و چوپان بیاسی**

تجدید امتیاز نفت جنوب نسیم کامل ریاضت! - وثوق المده جاشین تو را نش!

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.
بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بازره بر سر نفت جنوب و وظایف فرق کوشش ایران

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

بناورد هیچ نامی در تاریخ ما نیست. خود مصداق دردی روح
درست گنجی خدای تعالی است. در این زمانه که نفت سهم
بسیاری از ملت‌هاست. نفت را می‌گویند. نفت را می‌گویند.

۱۸۵



گزارشی از اختناق سیاه مطبوعاتی در دوران رضاخان

دوره سوم ■ سال هجدهم ■ شماره ۶۷ و ۶۸ ■ بهار و تابستان ۱۴۰۰

بخش دوم: مکاتبات دولت ایران با اداره سرپرستی محصلین دولت ایران در پاریس

مکاتبات این بخش عموماً در بخش ضمیمه مجموعه روزنامه پیکار منتشر شده ولی چون در شناخت زمینه‌های صدور اسناد بخش بعدی کمک می‌کند در اینجا آورده شده است.^۱

[سیدمحمدعلی جمالزاده

به اداره سرپرستی محصلین دولت ایران در پاریس]^۱

اداره سرپرستی محصلین دولت علیه ایران در آلمان، نمره ۲۲۱، تاریخ ششم آذر ۱۳۰۸

اداره محترم سرپرستی، پاریس در جواب مرقومه محترمه مورخه ۲۸ آبان نمره ۴۲۲۳ راجع به جزوه‌ای که از طرف فرقه کمونیست ایران منتشر شده زحمت می‌دهد که به موجب تحقیقاتی که به عمل آمده جزوه مزبور از طرف روس‌ها به طبع رسیده و نویسنده آن هم ظاهراً در خود روسیه و یا ایران باید باشد. از جزوه مزبور هنوز در آلمان نشر نشده است. البته اگر به دست افتاد جمع‌آوری نموده ارسال خواهد داشت. روس‌ها یعنی کمونیست‌ها در آلمان مرکز بزرگی برای تبلیغات دارند و در سال میلیون‌ها برای این امر به مصرف می‌رسانند و به همه زبان‌ها کتابچه‌ها و رسالجات به طبع رسانده به وسیله ادارات مخصوص توزیع می‌نمایند. برای جلوگیری قطعی باید خود دولت ایران با دولت روس مذاکرات لازمه بنماید ولی بدیهی است تکلیف ما است که حتی المقدور از توزیع این گونه رسالجات در بین محصلین ایرانی عموماً و محصلین دولتی علی‌الخصوص جلوگیری نمایم.

سیدمحمدعلی جمالزاده

۱. آرشیو وزارت خارجه، نمایندگی پاریس، ۱۳۱۳، ک ۵۶، پ ۸-۵.



سیدمحمدعلی جمالزاده
به اداره سرپرستی محصلین ایران در پاریس^۱

اداره سرپرستی محصلین دولت ایران در آلمان، تاریخ ۷ آذر ۱۳۰۸، نمره ۲۲۸/۸

اداره محترم سرپرستی در پاریس؛ در تعقیب معروضه نمره ۲۲۱ مورخه ششم آذر راجع به رساله‌ای که از طرف جمعی مجهول‌الهویه به عنوان «بیان‌نامه» فرقه کمونیست ایران انتشار یافته معروض می‌دارد تا به حال با وجود جدیتی که از طرف سفارت و دفتر سرپرستی به عمل آمده معلوم نشد که رساله مزبور در کجا به طبع رسیده است و حتی احتمال داده شده که یکی از دو رساله‌ای باشد که یکی دو سال قبل اولی به اسم «ابلاغیه جمهوری خواهان ایران» و دیگری به اسم ستاره سرخ در آلمان به طبع رسیده منتشر شده بود. برای فدوی با سابقه معرفتی که به احوال ایرانیان مقیم آلمان دارم تقریباً یقین حاصل شده که رساله اول به اهتمام و قسمت اول از رساله دوم به قلم کسی نوشته شده که به احتمال قوی اصلاً ایرانی نیست و یا به هر حیث مقام فضل و احاطه اطلاعاتش به اوضاع ایران خیلی بیشتر از چند نفر جوان معلوم‌الحال ایرانی است که به خود اسم جمهوری‌طلبی و کمونیستی بسته در مقابل اندک کمک نقدی که لابد به آنها می‌شود به وطن و هم‌وطنان خود خیانت نموده از مشوب ساختن افکار پاک جوانان محصل بیم ندارند. فعلاً برای این‌که از سرایت این گونه افکار در میان محصلین جلوگیری شده به وسیله متحدالمآل به محصلین مقیم برلین که عموماً در مراحل رشد هستند اطلاع دادم که من بعد در ماهی دو شب، مجلسی با حضور خود بنده برای صحبت‌های علمی منعقد خواهد گردید که در آنجا علاوه بر مذاکرات مربوط به کیفیت تحصیلی آنها از مواضع علمی مرتباً به شکل کنفرانس مباحثه خواهیم نمود. به عقیده بنده در نتیجه تبادل افکاری که به عمل خواهد آمد این‌گونه جلسات برای حراست و هدایت افکار و نظارت در عقاید محصلین مفید واقع خواهد گردید. تأسیس یک نوع مجله (Bulletin) است که مختصراً حاوی اخبار و اطلاعات راجع به محصلین باشد و در واقع ارگان اداره سرپرستی باشد که از کیفیت و پیشرفت تحصیلات آنها و چگونگی اخلاق و جدیت و یا عدم جدیت آنها بحث نموده و در ضمن دارای مقالات به قلم متخصصین «علم تربیت» باشد و در واقع هادی افکار و معرفت محصلین و راپرت اداره محترم سرپرستی باشد. بنده به اندازه خود حاضرم بدون انتظار اجری در انجام این منظور که بسیار مفید و مؤثر می‌دانم آنچه از قوهام ساخته است جدیت نمایم و ممکن است در خود برلن به اسم «دبستان پهلوی» و یا «دبستانیان ایران» و یا هر اسم و عنوان دیگری و هر ترتیب و طریقی که آن اداره مقتضی و مناسب بدانند به طبع برسد.

سیدمحمدعلی جمالزاده

[حاشیه:] آقای مرا؛ آیا این کاغذ در جواب مراسله ما نوشته شد یا خود آقای جمالزاده میادرت به طرح مطلب نموده‌اند؟ سابقه را ندیدم. در هر حال بسیار خوب پیشنهادی کرده‌اند و تصادف می‌کند با نظریه و اقدام خودمان. موضوع رساله «دبستانیان ایران» هم مهم و مفید و باید تعقیب شود. به دقت در اطراف مسئله مطالعه کرده نظریه خودتان را بفرمایید. لازم جواب این کاغذ داده شود.

[۱۳۰] ۱۸۹/۱۲

وزارت خارجه، نمایندگی پاریس، ۱۳۱۳، ک. ۵۶، پ. D-۸.





[نامه یکی از اعضای فرقه کمونیست ایران به جمالزاده]^۱

۶/ [اوت] ۱۹۳۲/۸

آقای جمالزاده؛ دو شماره از نمرات کهنه ستاره سرخ برای شما مجانی ارسال شد. اگر مقصودمان جاسوسی است خاطر جمع باشید که این نمرات مرتب در ایران منتشر گردیده و لابد به دست ارباب شما هم رسیده است (آن طور که ما اطلاع داریم شما در موقع اقامت در برلین به جاسوسی و این قبیل کارهای دیگر می پرداختید و حتی مکتوبی که شما چهار سال قبل از برلین به سفارت پاریس نوشته و اصرار نموده بودید که تحقیق نمایند چه کسی شماره‌های بی‌رقی القلاب را از گرونویل به برلین فرستاده است آن مکتوب در دست ما موجود است). و اگر برای کسب اطلاع راجع به اوضاع کارگران ایران می خواهید آن را هم به شما ارزانی می داریم و خیلی خوشحالم که کارگران ایران در اداره مشاغل جامعه ملل مدافعی مانند شما دارند.

با نهایت احترام

یکی از کارکنان ستاره سرخ

۱. وزارت خارجه، نمایندگی پاریس، سال ۱۳۱۳، ۵۶ ک، پ ۹-D.

[سیدمحمدعلی جمالزاده به حسین علاء، ۲ شهریور ۱۳۱۱/ ۲۴ اوت ۱۹۳۲]^۱

Societ Des Nations League of Nations
Bureau International du Travail Internation Labour office Geneve

ژنو، ۲۴ اوت ۱۹۳۲ [۲ شهریور ۱۳۱۱]، شخصی و محرمانه است

حضور حضرت مستطاب اجل آقای میرزا حسین خان علاء وزیرمختار دولت شاهنشاهی ایران در پاریس؛ احتراماً در تعقیب مذاکرات شفاهی که در مدت اقامت در پاریس به آقای مرآت به عمل آمده معروض حضور محترم می‌دارد که چندی قبل برای جمع‌آوری کتب راجع به اسلام و کار و صنعت در ممالک اسلامی و شرقی برای کتابخانه دفتر مشاغل به کتابخانه‌های مختلفه در پاریس و لندن و هلند و لایپزیک و وینه مراجعه شده بود از جمله شرحی نیز بنده به کتابخانه Anieiter Buchhadv Lunig در وینه نوشته کاتالوگ او را تقاضا نموده و خواسته بودم چنانچه در خصوص ممالک شرقی و اسلامی عموماً و ایران خصوصاً تألیفاتی راجع به مسائل صنعتی و مباحث کار و کارگر و غیره داشته باشد اطلاع بدهد پس از چندین ماه پاکت ذیل که لغاً تقدیم می‌دارد رسید. چون در ضمن اشاره شده که مکتوبی از بنده در دست دارند که سابقاً به سفارت سنیه در پاریس نوشته بوده‌ام اسباب تعجب شد که اگر این مطلب حقیقت داشته باشد مکتوب مزبور از کجا و به چه وسیله به دست آنها افتاده است. مراتب را لزوماً معروض داشت که لدی‌الاقضاء مقرر فرمایند در این خصوص تحقیقات لازم به عمل آید.

سیدمحمدعلی جمالزاده

توضیحاً معروض می‌دارد معلوم می‌شود کتابخانه مزبور کتابخانه‌ایست که مجله ستاره سرخ را به فروش می‌رساند و چون دانسته من ایرانی هستم نوشته مرا به اشخاص معلوم الحال تسلیم نموده است.

[حاشیه] آقای مرآت؛ خیلی از این مسئله تعجب می‌کنم نمی‌توانم باور کنم که عین کاغذ آقای جمالزاده را از اداره سرپرستی یا سفارت به خارج فرستاده باشند. تحقیق کرده جواب آن کاغذ را مرقوم بدارید.

[۱۳] ۱/۶/۱۱

۱. وزارت خارجه، نمایندگی پاریس، سال ۱۳۱۳، ک. ۵۶، پ. ۸-۵.





توهین به اعلیحضرت^۱؟

مأمورین ما آیا کار دیگری ندارند جز این که حیثیات یک سلطنت خارجی را که محتاج به انقلاب است حمایت و حفاظت نمایند؟

از طرف ارنست کیژوتره

شاه کنونی ایران رضاخان پهلوی که سلسله قانونی قاجاریه را قهراً منقرض و تاج و تخت آنها را واژگون نمود و به وسیله وجوه کمک خرجی انگلیس یک زندگی مرفه و مقتدرانه را برای خود داراست در حالی که مملکت او روز به روز فقیرتر می شود و مدتی است که طرز حکومت خود را فقط به وسیله و کمک قوه جبریه از پیش برده و مطلقاً به مثل Mussolini و Horthy امثال حکومت های وحشت آور مطلق العنان می باشد و بر اثر این رویه قطعاً می تواند صمیمی ترین نظر صحبت انگیز Goebbels, Hitler را به خود جلب نماید. چون در ایران آزادبخواهان تأمین جانی و مالی و آزادی ندارند واضح است روز به روز شدیداً بر عده مهاجرین مخالف در خارجه افزوده می گردد به همین نحو در برلن هم جمعیت زیادی از این طبقه اقامت دارند که یک قسمت آنها مطلقاً انقلابی می باشند و روزنامه بیکار که به زبان فارسی است و حاوی اجازه و اوضاع رویه خونین حکومت فعلی ایران می باشد به وسیله آنان اشاعه می یابد. پس جای تعجب نیست اگر روزنامه مزبور نسبت به شاه کنونی ایران و وزیرایش معامله مخصوص مناسبی نداشته باشد. معلوم است این امر برای سفارت ایران در برلن ناگوار بوده و به وزارت خارجه مراجعه و شکایت نموده است و اتفاقاً یک گوش استماعی هم در آنجا برای خود یافته است. محکمه بدایت مرکزی برلن برعلیه طبع کنند و ناشر روزنامه بیکار به عنوان توهین به شاه ایران اقامه دعوی رسمی نموده است و از طرف شعبه ۱۵ اداره نظمیة برلن شماره های را که مندرجاتش پسند خاطر سفارت ایران نبوده ابتدا دو نمره و اینک یک نمره دیگر را نیز تحت توقیف درآورده است. خدای را شکر که پلیس سیاسی هم موفقیتی پیدا کرد که اقلای یک کاری انجام دهد و چنان در مورد شماره اخیر روزنامه فعالیت از خود نشان داد که قبل از اخذ و دریافت قرار محکمه که هشت روز بعد می بایستی به آنها برسد اقدام به توقیف روزنامه نموده. باری برلن پس از مدتی محرومیت باز یک محاکمه توهین به اعلیحضرت به خود دید. چراید مربوط به احزاب دست چپ و راست مخالف که اساساً برعلیه وزرای آلمان می باشند سیاست آنها را از اساس و شدیداً تقبیح می نمایند. بدون این که صاحبان و ناشرین آن من غیر رسم هم تعقیب شوند اما آخر Ersberger Ruthenau را با شاه صحیح العمل ایران می توان در یک ردیف قرار داد. واقعاً ممکن است برای ما فرقی نکند که آقایان در وزارت خارجه به چه وسیله اوقات مأمورین قضااره و سلسله را تلف نمایند؟ و ل. مورد تأسف فقط اب. جا است که حیثیات لکه دار شده غاصب غیر رسم، ایران را به خرج مالیات دهندگان آلمان شستشوی بدهند!

صحیح تر این بود که موضوع به طریق دعوی خصوصی مطرح می گردید و از رضاخان مخارج محاکمه مطالبه می شد. در آن صورت به عنوان این که وجوه شاه کافی نیست یک مالیات جدیدی از طرف او مستتر می گردید و با این که می بایستی انگلیس ها را بدوشتند. آن وقت عدم رضایت و سوءنظر ملت نسبت به او بیشتر شده و به علاوه این مسئله هم یک موضوع تازه برای مهاجرین ایرانی در خارجه و محاکمه آلمان به وجود می آورد و مراجعات متوالی به وزارت خارجه آلمان و اقدامات محاکماتی بی دریگی که مستلزم مخارج است وجوه زیاد عاید می داشت. این دوران خوشمزه چقدر شنگ است همیشه.

۱. روزنامه Berliner Tribune, 18 April 1931. در آرشيو وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰، ک. ۱۶، پ. ۵۸

آیا برلین در ایران واقع است؟^۱

ادارات آلمانی برای سلاطین مستبد شرقی مبارزه می‌کنند. تعقیب به مناسبت توهین به مقام اعلیحضرت در مملکت جمهوری.

در موقعی که آلفونس سیزدهم در مملکت اسپانی با وجود سرداران مستبدش در مقابل اراده اکثریت ملت اسپانی مجبور به کناره‌گیری می‌شود در آلمان عدلیه و نظمیّه سیاسی با یک حالت Lamecho Pansa Hepten برای خاطر دیکتاتور و پادشاه مستبد شرقی یعنی برای رضاخان پهلوی شاه ایران مبارزه می‌کنند. جمعیت انقلابیون اسپانی در انتخابات فتح و نصرتی احراز کرد که از نقطه‌نظر سیاسی فاتح وضعیت شد لکن انقلابیون ایران (که از نقطه‌نظر حزبی عبارت از جمهوری‌طلب و سوسیالیست می‌باشند از لحاظ اجتماعی مرکب از دهاقین، کارگران و صنعتگران و کسبه خرده‌فروشی و مستخدمین جزیه بوده یعنی اکثریت ملت را تشکیل می‌دهند) دارای هیچ‌گونه وسایل قانونی برای مبارزه نیستند. بیست و پنج سال قبل یک انقلاب ملی در مملکت (شرقیه) مشروطیت را برپا کرد، امروز در سرتاسر مملکت دار برپا است و احرار و هرکس را که پیرامون مقاصد اجتماعی بگردد در آغوش می‌گیرد. احزاب و تشکیلات سیاسی منحل شده اتحادیه اصناف ممنوع است، محاکمات سیاسی علی‌الاصول جریان پیدا نمی‌کند و اگر هم بکنند نتیجه‌اش چیست؟ به جای انتخابات آزاد باید پکسی از دو شق ذیل را انتخاب کرد:

وفاداری به شاه یا رفتن به سیاه‌چال! حکومت استبدادی قشون خود را سوق می‌دهد برای این‌که عملجات معادن نفت کمیته‌های انگلیس و ایران از تقاضاهای خود راجع به زیاد کردن مزد صرف‌نظر کنند و اگر هم بحریه انگلیس به کمک امپریالیست‌های نفت انگلیس قیام نمایند حکومت رضاخان هیچ اعتراضی ندارد. انقلابیون ایران که در تحت تعقیب و فشار هستند نامه مروج افکاری به نام بیکار در برلین تأسیس کردند. بیکار سه ماه است منتشر می‌شود، با یک سرعت عملی که حاکی از حس انقیاد می‌باشد و فی‌حد ذاته به عادات شرقی بی‌شبهت نیست. قرارهای قضایی از طرف محاکم ابتدایی آلمانی صادر می‌شود و مأمورین اداره تأمینات که حقوق خود را از پول‌های خرد آلمانی که برای مالیات جمع می‌شود دریافت می‌دارند تمام شماره‌های این روزنامه را توقیف می‌کنند. یک اقدام سفارت ایران در وزارت خارجه کافی بوده است برای اینکه دادگستری آلمان در مقررات مدرسه خود کاوش کرده ماده ۱۰۳ قانون مجازات را بیرون بکشد. این ماده ناظر است به توهین نسبت به سلاطین خارجی یعنی توهین به مقام اعلیحضرت! ما از متن قرار توقیف اخیر مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۳۱ عبارتی که مبنی و مدرک قرار است ذیل نقل می‌کنیم. هرکس در این عبارت جز تعرضات سیاسی که

۱ روزنامه Berlin am Morgen, 22 April 1931. در آرشیو وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰، ک. ۱۶، پ. ۵۸



رویه انقلابیون است عنوان دیگری استنباط کرده و آن را تعبیر به توهین به مقام اعلیحضرت نماید باید گفت دارای افکاری که از قرون وسطی مستقیماً تحصیل نموده است. اینک متن بعضی جملات قرار توقیف:

۱. در قیام شوم استبداد به شکل سلطنت پهلوی هزار مرتبه سخت‌تر و وخیم‌تر عرض اندام کرده است.
۲. بنابراین طبقه حاکم ایران و نماینده آن حکومت رضاخان فقط سلطنت استبدادی و ترور خونین را وسیله سرکوبی بوده دانسته است.

عبارت دیگر که عیناً نقل می‌شود این است:

۳. دارایی که سلسله قاجاریه در ظرف یک‌صد و پنجاه سال جمع کرد با وجود بی‌عدالتی‌ها آنها قابل مقایسه نیست با سرمایه و مکتبی که رضاخان در ده سال جمع‌آوری کرده است. بعد در قرار محکمه موضوع دیگری دیده می‌شود که خالی از درایت نیست یعنی یک تبصره در آن گنجانده‌اند که در گلستان قانون‌گذاری آلمان نرویده بلکه در حدائق متعلقه سفارت ایران واقع در خیابان تیرگارتین نموده است.

۴. در این‌جا باید تذکر داده شود که در سلسله مزبور که به دست شاه فعلی منقرض گردیده است اشخاصی بوده‌اند که به ضرر ملت مکتبی برای خود جمع کرده‌اند. عجبا این جمله تفسیری که سهواً در قرار محکمه مانده است اگر اشخاصی که به ضرر ملت مکتبی برای خود جمع کرده‌اند امروز باز مالک‌الرقاب و مجالس اریکه سلطنت ایران بودند مرکز این جمله در جرح نمی‌کردند. حالا که عادت بر این جاری است که در آلمان نسبت به مصادری که قدرت در دست دارند برحسب اقتضا گاهی پشش‌پا می‌زنند و گاهی تعظیم و کرنش می‌کنند خالی از مسخرگی نیست اگر معکوس شدن وضعیت را در نتیجه خود تصویر نماییم اما کجا ممکن است که در قرار محکمه آلمانی چنین عباراتی برعلیه رضاخان استعمال شود اگر ده مرتبه هم حقیقت داشته باشد!

سفارت ایران در برلین برحسب تعلیمات رضاخان وارد در میدان کارزار شده است. موافقت گاهی و معاضدتی که از طرف دوایر دیپلماسی و رسمی آلمانی درباره او می‌شود او را تشجیع می‌کند که رویه خالص ایرانی که عبارت از تحمیل دکرة احساسات است در برلین هم به معرض آزمایش بگذارد. در سفارت اخیراً تصمیمی اتخاذ شده که بنایند برعلیه جریده مروج افکارت اقلیت موسوم به پیکار به امضای اتباع ایران مقیم آلمان برسانند عجب رویه قابل تحسینی است! با توضیحات اقتصادی که سفارت اعمال می‌کند و با تهدید به این‌که بستگان آنها را که در ایران اقامت دارند دچار عذاب خواهند نمود باید انقلابیون ایرانی را مطیع و منقاد خود سازند و دوایر آلمانی هم دستورات مکفی با مدارک و موجبات مضحک انشاء کرده و در عذاب دادن به انقلابیون ایرانی شرکت می‌جویند.

دکتر کارل ورنر (جریده برلین ام مورکن)، مورخه ۲۲ آوریل ۱۹۳۱، شماره ۹۳.



آیا در ایران رژیم ترور حکمرانی می‌کند؟^۱

ما جمهوری‌طلبان که فعالیت سیاسی داریم از مملکت ایران دورافتاده از دنیای تمدن استدعا داریم بر علیه رفتار وحشیانه نسبت به هزارها نفر مجبوس که مورد عذاب و عقاب واقع می‌باشند اعتراض به عمل آید.

از زمان جلوس رضاخان بقایای آزادی قانونی سابق به کلی از میان رفته است. حکومت به وسیله سانسور و وحشیانه، ترور، حبس، اعدام، گلوله و دار، اداره می‌شود. کلیه احزاب و مؤسسات سیاسی منحل شده و نامشان از دفتر حیات اجتماعی حک شده است. تمام اتحادیه‌های صنفی ممنوع شده است. کتابخانه‌ها و قرائت‌های عمومی تعطیل شده است. حتی اجازه تشکیل کلاس برای رفع بی‌سوادی داده نمی‌شود. اگر کسی عضو هر حزب سیاسی شود یا با مؤسسه مربوط به آن رابطه پیدا کند در زمره مخالفین محسوب گردیده و حبس یا تبعید می‌شود. انسان به کمترین سوءظن ولو هر قدر بی‌اساس باشد توقیف می‌شود. غالباً زاپرت یک نفر جاسوس برای اجراء چنین منظوری کفایت می‌کند.

استنطاق و عذاب

در حبس یک سیستم استنطاق و عذاب مانند قرون وسطی حکمفرمایی می‌نماید. مجبوسین دارای غل و زنجیر هستند. حبس مجرد و منفرد در زندان‌های مرطوب و تیره در ایران یکی از کارهای هر روزی است. عمال دولت اغلب طرزهای کامل تر و ظالمانه‌تری دارند که نسبت به مجبوس مرعی می‌دارند. (در این جا اسمی است که خواننده نمی‌شود) که اهل تهران است زیر دوش آب فوق‌العاده سرد نگاه داشته شده و حال آن‌که روی یک بشقاب فوق‌العاده گرم ایستاده بود و یک کلاه بیخ بر سر داشت. زمامداران با این عذاب اهتمام داشته او را وادار کنند اسامی رفقای سیاسی خود را افشا نمایند. مشارالیه راسخ و ثابت بماند و در سایه مرض حمله که منتهی به فوت شد از این عذاب الیم جان به‌در برد (شاید این اسم حجازی باشد: مترجم). در سنه ۱۹۲۷ بیست و پنج نفر از علمای حزب جمهوری‌طلب ایالت گیلان به بازار رشت برده شده و در آنجا بر ملاء مورد عذاب واقع شده و بعد اعدام گردیدند.

در سنه ۱۹۲۹ لیدر روستاییان در خراسان دستگیر و با تمام کسان و دوستان سیاسیش اعدام گردید. در همان سال سوءقصدی نسبت به یک نفر ژنرال ایرانی در لرستان به عمل آمد و چند صد نفر دستگیر شدند. زمامداران موفق به کشف مرتکبین این واقعه نگشته و بنابراین دستگیرشدگان را وادار کردند که در یک صف بایستند و هرکس که یکی در میان ایستاده بود به ضرب گلوله کشتند. در اواخر سنه ۱۹۳۱ (بایستی در این تاریخ اشتباه روی داده باشد: مترجم) چهل نفر از

۱. رکاب مراد (مشرقه در هندوستان) ۳ به ۱۹۳۱. در آرشيو وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰، ۱۶ ک، ۵۸ به.





پوسته‌ها ۱۶۱

کارگران قالی‌بافی را در مشهد فقط به این جرم دستگیر کردند که در موقع انتخابات با حکومت رضاخان مخالفت کرده بودند. در نتیجه‌ی غذایی که نسبت به آنها مرعی گشت پنج نفرشان در زندان شدند و راجع به بقیه اطلاعی در دست نیست.

عذاب منتقدین امپریالیزم

نه تنها جمهوری‌طلبان و افراد نهضت طبقه کارگر بلکه اشخاصی که جسراًت مخالفت با تجاوزات امپریالیزم انگلیس می‌نمایند دستگیر و مورد ظلم واقع می‌گردند. هرکس جرأت کند صدایی را بر علیه این سیاست بلند کند مورد تعدی و حیسانه واقع می‌گردد. مدرس لیبر سیاسی که مردی سالخورده و یک نفر از نمایندگان منتقد سابق مجلس شورای ایران و سلطنت‌طلب است فقط به جرم انتقاد سیاست دولت نسبت به امپریالیزم انگلیس دستگیر گشت و حال آنکه مقاصدش ملی بود. از زمانی که دستگیر شده است به کلی مفقود شده و هیچ‌کس از دولت از محل اقامتش استحضار ندارد. فرخی یک نفر دیگر از نمایندگان مجلس در دو مورد از طرف عمال پست رضاخان در جلسات علنی مجلس مورد ضرب و آتبع گردید زیرا جرأت کرد بر له انتخابات آزاد و بدون مانع و بر علیه نفوذ امپریالیزم انگلیس در امور ایران نطق نماید.

عدم محاکمه

در تمام طول حکومت رضاخان در ایران یک محاکمه سیاسی نیز به وقوع نپیوسته است و تمام این دستگیری‌ها، قتل‌ها، عذاب‌ها و غیره بدون محاکمه و بدون صدور حکم اجرا می‌شود و کلیه آنها عملیات اداری است. با وصف این اتفاقاتی که در بلاد و کم و بیش در مقابل چشم افراد روی می‌دهد، به هیچ وجه با وقایع قانونی که در قراء و قصبات روی می‌دهد ابتدا قابل مقایسه نیست. در ظرف ده سال اخیر یک سال اتفاق نیفتاده است که روستاییان در نقاط مختلف مملکت مبادرت به شورش و اغتشاش نمایند.

مالیات غیرقابل تحمل و رژیم ظالمانه و مستبدانه عمال دولت رضاخان دهقانان را به سستوه آورده است. در فضای هریک از شورش‌ها قشون برای سرکوبی اعزام عده‌های زیاد دستگیر، لیبرهای دهاتی اعدام، دهات متعدده مورد حریق، مزارع غله خراب، و هزارها نفر از مردمان بی گناه کشتار می‌شوند. پلیس و قشون رضاخان در ایالات خراسان، فارس، گیلان و سلماس در خونریزی و خراب‌کاری افراط کرده‌اند.

این است تصویر پالنبه خوب ایران امروز.

استدعا از ملل دنیا

ما از مطبوعات ملل متمدنه دنیا و علما و صاحبان صنایع مستظرفه و ادبای تمام ممالک دنیا تقاضا داریم صدای خود را به اعتراض بلند کرده و جان بقیه‌السیف محبوسین را نجات بخشند. ما تمنا داریم یک کمیسیون تحقیق مرکب از اشخاص مهم و مقتدر تشکیل شود که در محل رفته و در اتهامات ما تحقیق و غور رسمی نموده و نتیجه نظریات خود را به محکمه انکار عمومی اطلاع دهند.

کمیته عمل جمهوری‌طلبان در تهران

تهران، ۷ ژانویه ۱۹۳۱

ادعای نامه ما بر ضد رضا خان پهلوی آنچه که ما در مقابل محکمه اظهار خواهیم داشت

در چهارم آذرین کنگره پیکار .. در
محکمه برلین شروع خواهد شد.

فراقیاشی موسوم به رضا شاه که امروزه در ایران حکومت نموده و دست خون آلودش گریبان ملت زخمکش ایران را میفشارد کوشش دارد که چنگال خود را بتخت ایران هم دراز نموده نغمه آزادی که از حلقم انفیاز ایرانی از خارج بلند است خفه نماید. این شخص که در مساعده با مردم ایران جز سرسبز و سیاه چال و سیله دیگری نمی‌شناسد این جبار در خارج ایران بر تنگ عدلیه تسلیم شده است. بیش اینکه کسی از عمیلات ایشان خبر ندارد که آنها در مقابل محکمه عدلیه ناشناید با آنکه جنایات فراقیاشی زیر محبت پرده پنهان مانده نمیتوان آنها را آشکار نمود. کدام خیانتی است که این شخص در عرض جیدالسلط خود در ایران مرتکب نشده است؟ کدام گوشه ایران است که دست ظلم و تعدی این فراقی به آنجا نرسیده است؟ باین حال عدلی دست که چراغ انقلابی نیست با تو همین نموده اند. تجوزاتش و داور که عدل را جمیع رضا خان هستند ادعا دارند که رضا شاه پهلوی بیجوقت با ممال مردم ایران دست درازی نکرده، ظلم نکرده، قتل و جیادول کرده، با لاجرم بیج موری آزادی رسانیده است. رجال پهلوی بکنی دهن عصمت و طهارتشان از لوث برگونه رشوه‌گیری و وطنفروشی و اخلاص و آدم‌کشی پاک دین است. حالا بر بنیم حقیقت مسئول از همین فراقیت بانه؟

۱ - ما از آقای رضا خان پهلوی سؤال کنیم اگر ایشان دست درازی با ممال ملت ایران نکرده اند چگونه در عرض ۱۰ سال ریاست و زمامداری خود ملیون اوجده نقد در بانکهای خارج انداخته و با نواز، نصف ایران اطلاق و مستغلات برای خود تهیه نموده اند.





۲ - اصلاح نه ساله در باب مسوولیت روس زمین بود و بعد از واگذاری بانک زبور از طرف دولت شوروی به ایران وزارت مالیه این اهلاک را ضبط داداره نمود چگونه اهلاک مکرور که مال مسلمت ایران است در جزو اهلاک نازندان رضا خان در آمد و تمام اهلاک بهایونی در جزو اعلان ثبت آن درج شد؟

۳ - آیا این اردو روغ است که کلیتاً رضاخان تمام اهلاک عمده و پرمفعت تجار و اعیان خود را بزور اخذ و یا خرید و اموال صاحبان بزرگ و امرای لشکر خود را که از ملت چپاول کرده اند تصرف نموده است و هرگز نداد به حسن و از کار مغزول شده؟ آیا چراغ علی خان پسر عموی محبوب خود را رضاخان بواسطه اشتغال او از وصیت کردن دارائی خویش به ولیعهد با ضربت گداز هلاک نکرد و بعد از مرگ او دارائی او را نبوشته ساختگی ضبط نمود؟

۴ - آقای رضاخان ما شما را قاتل انقلابیون گیلان و آزادخواهان خراسان و سربازهای سلاطین گرداننده سرکلنل محمدتقی خان و کوچک خان در شوها جلا د زارعین قشقای و کرد و بلوچ، قاتل واعظ قزوینی، قاتل میرزا عشقی، جلا د حمای مازک طبعه طهران و دود میدانیم. آیا شما منکر صحت این وقایع هستید؟

۵ - آقای رضاخان ما شما را ^{دعا کنیم} ~~میخواهیم~~ که تاج و تخت خود را از دست انگلیس ها گرفته و در بکرشته از عملیات و سیاست داخلی و خارجی خود اطاعت خود را به امپریالیزم انگلیس ثابت نمودید. ما مدعی هستیم که شما به پشت هم اندازی و جعل گفتمان از طرف اهالی تبریز و اصغهان و غیره و بزور سوزنیزه قزاقان خود ترور و باختر با تطبیح اعضای مجلس "موسلمان" ساختهگی را مجبور کردید شما را به "شاهی" انتخاب کنند. آری سلطنت شما غیر قانونی و غیر مشروع بوده و دولت ایران طالب جمهوری بود. است نه سلطنت.

۶ - شما و نوکر شما تیمورتاشی که دم از استقلال ایران مینزد تاکنون

یکشتم همی برای لغو امتیاز خانه خراب کن نفت جنوب، برای قطع دست انگلیس ها
و زجرین برند آستید. شما یک ملیون لیره مرا که انگلیس ها در موقع عقد قرارداد
به توفیق الدوله و تیمورتاش و نصر الدوله و غیوه رشوه پرداختند و تاکنون
هیچ حکومتی زیر بار شما حتی آن غیرت برسمیت شناختید.

۷ — شما کرده ها کرده اکراد و الوار و سایر رعایای ایرانی و سران بچاره
رشید ایران را بوسیله سیاست خیانتکارانه خود و برای منافع طبقه خود برادر کش
و ادا کرده و بد جان مرگ فرستادید. شما تمام اسلحه و توپای ایران را برای جنگ
با خود هواویف و برنجبران ایرانی صرف کردید نه برای دفاع حقوق و خاک ایران در
برابر ابره بالیم حارجه.

۸ — شما در اعتصاب کارگران نفت جنوب نه فقط با کارگران بدخت ایران
و عائله های فقیر آنها که زر قدیبات کیانی نفت جنوب از ساده لوحی برای
درخواست کمک بیاحت و درگا، تو آمدند گکی نکردید بلکه نجایت کیانی انگلیس
بروی کارگران غیر مسلح ایرانی تیر خانی کردید و جمعی از آنها را با وسایلها محبوس
نموده اید. آقای رضاخان شما سوال سردار بجنورد و سردار ماکو و سردار عثمانیرو
شیخ خز غل و ظفر نظام و داودخان کلهر و جواهرات خالو قربان و غیره را که خون دل
و در شیخ زارعین سیه روز ایرانی بود اخذ کرده بحیب خود ریختید آیا منکر
این حقایق هستید؟ شما تمام دهات اطراف سده آباد را خشک و لم بزرع نموده آب قنوات را
به سده آباد محل قصر شدادی خود برده اید.

۹ — شما تمام آثار و بقایای دوره مشروطیت را در ایران محو آزادی را کاملاً منسوخ
اعتیاعات و اتحادیه ها را منحل و ممنوع و دهان تمام جزایر را بستید، شما مدبران جزایر را
برای محبوس کردن به ستایشگری از مجامع خود مانند دوره بومبیت زیر جوب و شلاق انداخته
انداخته و راهبیس و تعمید کردید. شما در عصری که در تمام دنیا در آزادی مسافرت و تهیه سہولت
آن کوشش میکنند و همه دولت برای سهولت تجارت و مسافرت و مسافرت حکومت و محدودیت ها را





حتی درین ممالک هم دیگر متوقع مینمایند، در داخل مملکت ایران بین شهرهای ایران بیستم حوز را برقرار کرده. اید. شاه ایران را بیک مجلس بزرگ و بیک مملکت جاسوسی ها مبدل نمودید. وزیر عدلیه شاه با وجود تمام "اصلاحات" کذائی خود در عدلیه تاکنون یک نفر محبوس سیاسی ایرانی را در محکمه ایرانی علناً محاکمه نکرد. مجازات و محاکمه محبوسین سیاسی را برخلاف نص صریح قانون اساسی بعهده مأمورین تأمینات گذارده است که در تکلیف و غدا محبوسین سیاسی از هیچ شقاوتی فرود گذارن نمیکشند.

۱۰ — آقای رضاخان شاه تمام آنگلو فیل های معروف را که حتی جرأت ورود با ایران را هم نداشتند دو مرتبه روی کار آوردید. شاه تیمورتاش تا قبل ۲۰ نفر دهقان بیگناه کیلان، طرندار جدی قرارداد، رشوه خور شهرد که رجاله توین عنصری است که در تاریخ جدید ایران بنظر رسیده زمامدار مطلق ایران کرده اید، آقای نظامی وزیر دربار شاه برخلاف نص صریح قانون اساسی در آن واحد هم تمام وزارت و هم وکالت را اشغال کرده در عرض تمام این مدت از هیچ یک از دشمنان استعفا نداد و برای دو مقام حقوق بگیرد. تیمورتاش خودش وزیر دربار است و از طرف دیگر شهاب فراکیون ترقی "مجلس شورای ملی" را اداره میکند. دادگر رئیس مجلس نوکر شخصی وزیر دربار بود و تمام مذاکرات و آراء و عرصه های مقنناتی پارلمان ایران یعنی «وکلا» قبلاً از طرف آن تصویب گردیده است. قالی و سفارشی بودن و کلاهی مجلس سخن ایران در دوره حکومت رضاخان مسئله ایست که بر تمام افراد ملت ایران در ضیح بوده و حتی خود آقای تیمورتاش نیز سال گذشته در فراکیون ترقی (خان صدده المنه) متوجه تعرض به توقع ریاست مجلس دشمن فیهی میگفت "اگر برای انتخاب سایر وکلا تلگراف رمز کردیم برای (انتخاب آقای فیهی) قشون روانه نمودیم". راجع بر رئیس الوزرا و شاه عبدالسلطنه قائل خیابانی داخل را آذربایجان

راجع نفروغی کاسه بیس شاد و شمای نظیبه و امرا و لشکر از قبیل جان محمدخان ، احمدآغا
 خان ، کریم آغاخان که هرکدام برای خود صدنایب حسین کاشی هستند و دیگر شریح
 و بطی نمیدیم . در حقویت خود شمام همین بس که کمپانی انگلیسی نفت
 تاکنون دو مجسمه برای شما نصب نموده است و این سنگ ارزانی شما
 و شایسته شخص شماست . اما این نکات و صد ها نکات دیگر را در مقابل
 محکمه عدلیه اظهار داشته و با اسناد و مدارک ثابت می نمایم تا دنیای آزاد بخیر .
 شما و زردیم غارتگری شما را شناسد .

آقای رضاخان پهلوی . در نظر ملت زحمتکش ایران شما
 مدت ها است که محکوم هستید . محاکمه با شما و رجال شما در محکمه برلین
 خاتمه نیافته و بلکه در آتیه نزدیکی در خود ایران در محکمه انقلابی رنجبران
 ایران تجدید خواهد شد . آنوقت است که شاهدهای عملیات
 شما و کارخان شما بدون هیچ ریس و ملاحظه در محکمه حاضر شده مجال
 هیچگونه انکار و خلاصی برای جلادان رنجوران باقی نخواهد ماند . آنوقت
 است که ملت زحمتکش ایران با شما و اعوان شما ختم حساب خواهد نمود .

امروزه در مقابل محکمه آلمان

فردا در مقابل محکمه انقلابی ایران

فروردین ۱۳۱۱ آذر ۱۹۳۲





حوی

لورہا
۱/۱۲

دہ بتاریخ ۲۲ مہر ۱۳۱۱
نمبر ۱۲-۱-۱۲۹۴

مقام منبع وزارت تحلیلہ امور خارجہ

در باب جریدہ بینکار سابقاً نتیجہ اقداماتی را کہ در نزد اولیای دولت اطہرین جعل آورده بود با منتظر
خاطر مبارک رسا نید . اینک ملوا سواد مراسلہ جوابیہ وزارت امور خارجہ را کہ متضمن نتیجہ تجدید
یلبس محلی و نظریات دوا ڈر مر بو طہ است تقدیم میدارد تا در صورتیکہ اقدام مجددی را مقصود
بدا نند دستور العمل لازم مرحمت فرمائند

شاہ روز دا فر
عسکری

۱۱۰

۴۰۹۲

تاریخ	۱۳۱۱
شماره	۲۱۷۸۶
محل	۲۰۴۱۱
تاریخ ثبت	۱۳۱۱
تاریخ امضاء	۱۳۱۱

کلیتاً تمام ادوایہ نمودن
مکمل و احوالاً

فصل اول



نوع ۳

نمبر ضبط ۱۰۳۱۱

نمبر ۳۲۵-۷

دوسیه ۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

وزارت امور خارجه

موضوع مسوده

ضمیمه

مسؤل یا کنوس

اداره امور

تاریخ تحریر ۱۱/۹/۱۳۱۱ تاریخ یا کنوس ۱۱/۹/۱۳۱۱ تاریخ ثبت و خروج ۱۳/۱۱/۱۳۱۱

عنوان مسوده

سفارت محترم
 سرکار عالی شایسته و محترم
 که در روز سهول نظر آن سفارت شایسته
 دستور فرمود که در این باره
 دلجمی یک یادداشت از اداره
 رسیده است و در این باره
 نظر اطمینان سفارت محترم
 بطریق ملاحظه خواهد فرمود
 طبع شود و در این باره
 اقدامات لازم خواهد شد

یادداشت
 در روز
 در روز
 در روز

۱۱/۹/۱۳۱۱
 تاریخ ثبت و خروج



Vienne, le 10 octobre 1932

N° 24 . 301 - III3

Monsieur le Chargé d'Affaires,

Mérférant à la lettre N° 911/I/17 que Vous avez bien voulu adresser au Ministre des Affaires Etrangères d'Autriche en date du 26 août dernier au Sujet du Journal "Peykar", j'ai l'honneur de Vous communiquer ci-après le résultat des investigations opérées en l'occurrence par les autorités policières compétentes autrichiennes. Le Journal "Peykar" n'a pas paru à Vienne jusqu'à présent et le nom de Mahmoud Paydar ne se trouve pas dans les listes policières des personnes ayant fait déclaration de présence à Vienne.

Il a été établi, en outre, qu'à part l'imprimerie d'Etat (Oesterreichische Staatsdruckerei) seule l'imprimerie de l'ordre des Méchivariastes à Vienne dispose de caractères persans; mais la police a pu constater indubitablement que le Journal en question n'y a pas été imprimé. Du rest, à l'avis des experts consultés en l'occurrence l'exemplaire en question est un manuscrit tiré à polycopie.

Il se peut, toutefois, que le journal dont il s'agit, soit imprimé en dehors de l'Autriche et qu'un nombre d'exemplaires ait été introduit de temps en temps dans le pays en vue de distribution. Le sceau postal que porte l'enveloppe que Vous avez bien voulu annexer à Votre lettre, indique que le numéro du Journal dont la Légation de Perse à Rome était la destinataire, a été mis à la poste au bureau Viennois N° 71 qui se trouve à proximité du Secrétariat du Parti Communiste Autrichien. Vu la possibilité que l'exemplaire dont il s'agit, ait été expédié par le Secrétariat susmentionné des investigations policières y ont été opérées qui, toutefois, n'ont point fourni de ré-

۲۰۲



برونده ویژه صدمین سالگرد کودتای سیاه رضاخان (۲)
دوره سوم ■ سال هجدهم ■ شماره ۶۷ و ۶۸ ■ چهار و تابستان ۱۴۰۰



sultat positif. Nul imprimé en langue persane n'a jamais été trouvé dans les localités de ce Secrétariat au cours des perquisitions réitérées policières faites lorsqu'il s'agissait de la saisie d'imprimés de caractère communiste. Aucun renseignement utile n'a en outre, été obtenu au bureau de poste susindiqué au sujet du mandataire de l'enveloppe contenant le Numéro du Journal "Peykar" en question.

Il y a lieu d'ajouter qu'il a été enjoint aux autorités policières de continuer à prêter leur attention à cette affaire et de prendre le cas échéant, les mesures nécessaires.

Les annexes de votre lettre précitée sont jointes à la présente. Veuillez agréer, Monsieur le Chargé d'Affaires, les assurances de ma haute considération.

Le Secrétaire Général des Affaires Etrangères,

Signature.

Monsieur A. Motamédy

Chargé d'Affaires de Perse.

ROME.



سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

کابل

تاریخ

سواد کوزه در مشهد کابل - مورخه ۲۸ فروردین ۱۳۱۱ که اصل آن نمره ثبت شد

جناب دست غریز تمام کورستان شرف بجزیرت شریف ایران در کابل
 رابع هر سبت آردن ۱۷ آردن. بتاریخ ۱۳۱۱ آن دست غریز چهار آردن سبت سبت کورستان دست غریز
 اگر چه ع. ج. و درین محبت هر چه در کاره شده است، درله سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود
 درله سبت بجواب اطلع نمود که اوراق مذکور در این سبت که در سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود
 بآن در شهر جمع کسب آن سبت در به بدله سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود
 بآن سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود، همین سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود
 و سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود، بآن سبت ازین جهت که در دهن خود به یک زمانه که بود
 در گرفته و در اینجه بود و در اینجه بود و در اینجه بود (بمشهد)

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
 کابل
 سواد مطابقت اصل است





سازت شاهنشاهی ایران

محرمانه

۱۵/۱۰/۱۳۱۱

پاریس، بتاريخ ۱۲۰۰ اردر ماه ۱۳۱۱
نمره ۱۷۲۵
موضوع: جریده بیکار
شمیسه ندارد

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب راپورت‌های سابق در باب انتشار جریده بیکار در فرانسه و توزیع آن بین مسلمانین معروض میدارد با اینکه در این جا تعلیمات لازمه از طرف دولت بما مورین سرحدی داده شده و خیلی کم این انتشارات بدخله فرانسه میرسد ولی معذرا باز ناچاریم که جریده مذکوره در دست اشخاص پیدا میشود چنانکه شماره سگنال دوم بیکار لشیراً سفارت واصل و افاضاً همقتضی در جلوگیری از انتشار آن بعمل آمد. در هر صورت توجه اولیا فرانسه جدا با این موضوع جلب شده و از این انتشارات در فرانسه جلوگیری حتی المقدور بعمل خواهد آمد.

وزارت جلیله امور خارجه
۱۳۱۱/۱۰/۱۵
۷۱۰۲۹۱۰
۱۳۱۱/۱۰/۱۵

خطی





سفارت کتای شاهنشاهی ایران
کابل

۳ ص ۱۳۱۱

۲۰۸۳
۶۴

مبلغ - مبلغ برودن تریچکار

لریه

دولت معینه افراسیاب

در معین اموریات با بقدر بلع بریندیکه ارتقاقت و بلگیری دهان بانچه از کتای بانچه
شخصی هم تو مشاقت و ساد و هم در تقاضا بآیه کی که در کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه
دهان بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه
بلع بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه کتای بانچه

۳۸۶۲۵
۱۱/۱۱

شماره ۳
 تاریخ ثبت ۱۳۸۸/۱۲/۱۲
 تاریخ ۲۶۰۰
 موضوع مسوده
 وزارت امور خارجه
 اداره ابریه و مطبوعات
 شماره ۷۱۰۴۱۱۰
 نامه ۳۹۲۱۱
 دوسیه ۴۰۴
 مؤهل یا کنویس
 تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۲
 تاریخ ۲۶۰۰

عنوان مسوده: توسعه همکاری های اقتصادی بین ایران و افغانستان

فصل اول: کلیات
 ماده ۱: در این سند منظور از افغانستان همان کشور است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه استقلال خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۲: در این سند منظور از ایران همان کشور است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه استقلال خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۳: در این سند منظور از همکاری های اقتصادی همان همکاری های اقتصادی است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۴: در این سند منظور از توسعه همان توسعه است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۵: در این سند منظور از همکاری های اقتصادی همان همکاری های اقتصادی است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۶: در این سند منظور از توسعه همان توسعه است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۷: در این سند منظور از همکاری های اقتصادی همان همکاری های اقتصادی است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۸: در این سند منظور از توسعه همان توسعه است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۹: در این سند منظور از همکاری های اقتصادی همان همکاری های اقتصادی است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

ماده ۱۰: در این سند منظور از توسعه همان توسعه است که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ اعلامیه خود را صادر کرد.

در ادامه مذاکرات
 در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۲



نومبر ۳	وزارت امور خارجه	موضوع مسوده
نمبر	اداره	شعبه
دوسيه	مسؤل يا كندوس	
تاريخ تحرير	تاريخ ثبت در خروج	۱۳

عنوان مسوده

در خصوص اعلام وزارت بچ روزنامه دنيه سب است
 در باب جدي دنيه سب آنه قضيه را اقتيب و شرح ما بابت آورد
 نظر بنده خاصه نگاه داشته نسبت زود به اصلاح بنده
 و در مورد بيان و اظهار نظر بنده در اولي بنده
 در مورد اصلاح اعلام و شرح از نگاه بنده
 در مورد نه اوقات و نه آنکه در مورد اطلاع و شرح بنده
 تفهيم ايند بنده را زمانه در مورد استغناء ايند
 براتفاق است در ايند بطور نيم بنده در خواست
 در ايند در خواست ايند اما بهر اينه بنده
 بنده در خواست ايند در خواست



لر

پاریس بتاريخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۱

نمره ۱۹۱۳

موضوع: خریده بیگار

ضمیمه: دارد

محرمانه

وزارت حلیله امور خارجه

در تعقیب راپورت‌های سابق راجع خریده بیگار لثیراً یک سنه از آن که در فرانسه بدست آمده برای اطلاع آن وزارت حلیله تقدیم میشود. مگر از وزارت خارجه فرانسه نفاذات در جلوگیری از توزیع آن دستور سابق دولت متنازلینها را بمقامات مربوطه نائید نمایند. چون این ورقه گز وینه بطبع واز آنها بسا بر نفاذ فرستاده میشود مراتب بمسارت دولت نامتناهی درم نیز ایشمار رسید که متوجه امر بوده اقدام -
لزم در جلو گیری آن بعمل آورند.

[Handwritten signature]

۲۰۹۲
۲۱۹۶۸
۱۲/۱۲/۱۳۱۱

[Handwritten signature]





AMBASSADE DE PERSE
MOSCOU

N°

Aide-mémoire

Un journal communiste intitulé "Paykar" se publiait en langue persane à Berlin. Ce journal contenant constamment des articles injurieux et calomnieux contre la Perse et Son Auguste Souverain, a été interdit par le gouvernement allemand et les calomnieux ont été punis.

Depuis quelques temps, le même journal paraît en lithographie son en-tête indiquant comme directeur responsable un certain Mahmoud Paydar donne comme lieu de sa publication Vienne, mais sans ajouter l'adresse. Ce qui est absolument certain, c'est que ledit journal est expédié partout de Vienne. (Ci-joint, un exemplaire de journal ainsi que l'enveloppe estampée de Vienne est parvenue à l'Ambassade de Perse à Moscou.)

Il paraît qu'à la suite des démarches faites à ce sujet par la Légation Impériale de Perse à Rome auprès du Gouvernement Fédéral d'Autriche, il a été répondu que ledit journal n'était pas imprimé à Vienne et qu'il y était expédié de l'étranger.

Etant donnée la certitude où l'on se trouve que le lieu de distribution et d'expédition est à Vienne, le Gouvernement Impérial de Perse pense qu'il ne sera pas difficile aux autorités compétentes autrichiennes de découvrir d'où arrivent ces publications et quelle est l'organisation qui se charge de leur diffusion.





Vu l'amitié traditionnelle entre la Perse et l'Autriche le Gouvernement Impérial espère que le Gouvernement Fédéral ne permettra pas que son territoire devienne un nid d'intrigues et de propagande anti-persanes et voudra bien prendre des mesures énergiques 1) pour découvrir le noyau de cette propagande et 2) d'y mettre fin d'une manière définitive.

Il sera peut-être utile de rappeler que le Gouvernement Impérial sera tout disposé à prendre des mesures sur son territoire au cas où un jour, il s'y trouvait des organisations analogues contre l'Autriche, puisque en vertu d'une loi, tout outrage et un Souverain ou un Chef d'Etat étrangers seront, par réciproque vigoureusement réprimés.

Moscou, Le 21 fevrier 1933.

1933 - 11 - 1921 - 150

خ ۴-۱۲-۱۳۱۱

۴۳۲۰



سفارت کهنای شاهنشاهی ایران

محرمانه است

وزارت جلیله امور خارجه

۱۳۴۷
۱۲/۱۲/۱۳

مرفوعه مورخه ۱۲-۱۱-۱۳۱۱ نمره ۲۹۷۱۱ صادره از اداره اروپا و آمریکا و لاجم به روزنامه
 بیگار و زب وصول بعنید - فوراً تذکرنامه کسواد آن لنا تقدیم میشود در این باب تهیه و دیروز
 شما بوزیرستان را از طریق تسلیم و قضیه را شریفاً با شما لی کردم و میفرمایید حاضران نمودم که دولت
 شاهنشاهی با مسئله نهایت درجه اهمیت داده و امیدوار است که دولت اهلرین لازم بجد و جد را برای
 کتب موثکبین و جلوگیری از این قبیل عملیات مضدت آسیر جعل بیاورد - مسیو باخراظها را در انت
 که مراتب را فوراً بوزارت خارجه اهلرین اطلاع بخراشد داد و البته دولت متبویه انرسمی لازم برای انجام
 خواهن دولت ایران خواهد نمود ولی شناسا متذکرید که قانون اهلرین جهت مطبوعات آزادی زیادی قابل
 و از این جهت تا بدکارینندان سهلی نباشد در هر صورت وعده داد که نتیجه اقدامات را اطلاع دهد -
 اینکه مرفوع فرموده اند اگر کمفتنی بدانند که برای تعلیمات را بنمسئله با اهلرین بهرستند بنظر بنده
 از انزام یکسفر از مسکریونیه برای تعلیم موشوع معصود معلو به حاصل نخواهد شد و معتزاً بنسب هرگاه از
 اقداماتی که بعمل آمده نتیجه بنسب نیاید دو سه ماه دیگر که خود بنده برای تسلیم نامه با بد به ما لک لیتونی
 و لیتوانی بروم مسافرتی هم بونه کرده با اولیای امور اهلرین شما را بنسب مذاکره کرده و شناسا تعلیمات
 لازم و انیز در لطف قضیه جعل بیاورم البته موکتول برای مبارک است -

[Handwritten signature]



نمبره ۱۴۷۶
۱۶ مه ۱۴۱۱



BRUXELLES, LE

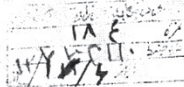
LÉGATION IMPÉRIALE DE PERSE
EN BELGIQUE

لرره

مقام منبع وزارت تجلیله امور خارجه

بطوریکه خاطر مبارک مستخر است بواسطه تبلیغات بین محلیین ایرانی در بلژیک و نصابی که در موارد
لازمه با آنها داده است عموم محلیین ایرانی دارای احساسات وطن نوستی و شاه پرستی میباشد اخیراً یک
نسخه از ورقه بیگار که در وینه طبع و نشر میشود بعنوان یکی از محلیین ایرانی بروکلن رسیده بود متاراج
هم عیناً ورقه مزبور را با شرح تنفر آمیزی نسبت بمندرجات فساد آمیز آن از طرف خود و سایر محلیین با این
سفارت تاهنثاهی ارساں داشته است که مخبرین سفارت خاطر مبارک عرضند که بوسایل معضبه از انتشار
این نوع اورا فاسد جلو گیری شود.

۹۰۹۲





دفترو مخصوص شاهنشاهی

سواد برلیم است محمدی

مورخه ۱۲/۱۱/۲۱

نمبره ۱۰۷۴

لعمریه

از قرار آنکه فدر نفیج زو نامبر بر این بند میسده در اول
 باسم یکبار ترتیب محمدی نوشته میزند در این ایام فدر نفیج
 است از این وقت فدر نفیج است بهر است من روزنامه می نام
 نویسنده میزند فدر نفیج از آن حکم می کند و نامبر است فدر نفیج
 بعد از این روزنامه فدر نفیج است و نامبر است فدر نفیج
 نویسنده میزند فدر نفیج است فدر نفیج است فدر نفیج
 از روزنامه فدر نفیج است فدر نفیج است فدر نفیج
 منقطع است فدر نفیج است فدر نفیج است فدر نفیج
 بعد از این فدر نفیج است فدر نفیج است فدر نفیج
 میزند آن فدر نفیج است فدر نفیج است فدر نفیج
 منقطع است فدر نفیج است فدر نفیج است فدر نفیج





دفتر مخصوص شاهنشاهی

۲

سواد
 مورخه
 مره
 این وزارت امور خارجه بهر آنکه باید در وقت این اذن بهر آنکه
 ذمه در آن عهد این فرزند آن کدام باریت و زمان آن
 و کتب این عهد این فرزند آن کدام باریت و زمان آن
 جمعاً



تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۱۲

نمره ۴-۲



سفارت کبیری شاهنشاهی ایران

خیلی بر ما نه است

وزارت تجلیله امور خارجه

در تعقیب راپرت مورخ ۱۲-۱۱-۱۳۱۱ نمره ۴۲۳۰ راجع با اقداماتی که نزد وزیر مختار لارمن در مسکو آذر
روزنامه بیگار نموده ام معروف میدارد چون هفت گز شته شدیم که وزیر مختار مق فنا بونه میبود لذا
منارالیه را ملاقات و خواهش کردم که در این خصوص جدا با دولت خود مذاکره نماید سیویاغر وعده داد که
اقدام لازم را در بونه بنماید البته از نتیجه درماتنی خاطر مبارک راستنم خواهم دلست .
امروز میخولم لطلاعات جاعمی که پس از یک سلسله تحقیقات از یک منبع ^{مستقل} موثقی در این باب بدست آورده ام
بعرض برسانم .

روزنامه بیگار در تحت تقارن سه نفر از کمونیت های ایرانی میرزا با فروشن کرمانها من (از انصوان مدرس
بوده ومدنی است بسکوا آمده اسم خود را در اینجا وارطان گلشنه است) وسید عبدالعسین دهزاد معروف به
حسای ومیرزا ابوالقاسم ذره نوشته شده و ربط بکنفر اردبیلی آذرتام کما بنا در شهر مزبور معلم بوده و در
اینجا بهلا وروف معروف است و گویا سا بقا از طرف قونسل شوروی در ارد بیل بعنوان تحصیل بسکوا اعزام
کرده است با کتوس میشود .

کاریکای تورهای روزنامه رادوفنر حصلمین ایرانی یکی موسوم بعوزغ زاده نبریزی ود بگری غاندرضای نیروزی
رشتی ترسیم میکنند و انخاص مزبورس انضا فر کردن روزنامه را بنامه شرق کومینتورن (بین الملل سوم)
تسلیم میکنند و جدا گونا خود آنها هم تعید اند در کدام ملبه جاب میشود ولی احتمال قوی میبود در مطبعه
شعبه مخصوص نشریات کومینتورن طبع کرده و بعد از یکلازم است برای وینه ارسال و از آنجا بجای لازم فرستاده
میشود .





سفارت کبری ای شامنشاهی ایران

بعد از کسب اطلاعات فوق خواستم موضوع را رسماً به کارخان اظهارات رویت بدو اعتراض نماید ولی بملاحظات
ذیل عمل صرف نظر کردم *

اولاً - چون هیچ مدرکی برای اثبات اطلاعات فوق در دست نیست یقین قطعی حاصل است که متارالیبه موضوع
رابطه اتکار خواهد نمود .

ثانیاً - ثورا در صدتصمیم برآمده ممکن است نظریوسا ثالی که دارند بهر تکی است منبع این اطلاعات را
کشف و گشته از اینکه با خاصیتی که این خبرها را به بنده میرسانند صدمه جانی وارد خواهند آورد در آنجهت
مسائل کسب اطلاعات بنده را منقطع خواهند نمود زیرا که نظری وضعیت فوق العاده سخن این مملکت هست آوردن
این قبیل اخبار فوق العاده متکسر و مستغفا اگر مطلع شوند خبر دهندگان را بعنوان جاسوسی و ضد انقلابی
تیرباران میکنند -

بنابر این فوق بنظر بنده عملاً با بد منتظر قبول دولت لاریمن شد چون احتمال دارد دولت متارالیبه
اطهار دارد که روزنامه بیچاره دروینه طبع نشده و از مسکو فرستاد، میشود لذا با استناد این اظهار میتوان
شد بدو اعتراض نمود و هرگاه جواب دولت متارالیبه رضایت یمن نباشد در آن صورت لازم خواهد بود
که اجازه مرحمت بفرمایند که خود بنده برای چند روزی برونه رفته شفا موضوع را در محل تحقیق و با
دولت لاریمن شفا دلیل مذاکره شوم باقی منوط برای مبارک است .





توجه ۳	نمره ضبط ۲۲۰۴۱۰	وزارت امور خارجه	موضوع مسوده
نمره ۵۲۱۴	دوسیه ۶۰۹۲	اداره ریزه دارخانه	شعبه
تاریخ تحریر ۲۹۲	تاریخ یا کنویس ۲۲/۱۳/۳۲	تاریخ ثبت و خروج ۱۲/۲/۱۳۱۲	مسئول یا کنویس <i>م. هاشمی</i>
عنوان مسوده		<i>در شرف نامه</i>	
موضوع		<i>راسته ژرنه برنده ۱۶/۱۲/۳۲ به تفهیم خود وارد</i>	
موضوع		<i>زود به دست خراسان رایج بر روزه و پیکار و راه میگیریم. وزارت</i>	
موضوع		<i>ارضا به به در اینجا به هم آید و در آنجا تمام کتب به به در اینجا</i>	
موضوع		<i>و با تفهیم ژرنه در روز پنجشنبه در وقت پنج</i>	
موضوع		<i>در هر یک از این دو وزارت را اطلاع فرمایند و در هر دو وزارت</i>	
موضوع		<i>برای و در هر دو وزارت اطلاع فرمایند و در هر دو وزارت</i>	
موضوع		<i>برای و در هر دو وزارت اطلاع فرمایند و در هر دو وزارت</i>	
موضوع		<i>کنند و این را به هر دو وزارت اطلاع فرمایند و در هر دو وزارت</i>	
موضوع		<i>قدر است که در این باره اطلاع فرمایند و در هر دو وزارت</i>	

تاریخ ۲ خرداد ۱۳۱۲

نمبر ۱۰۸۱



سفارت کبری شاهنشاهی ایران

ایران - اروپا

محرمانه است

وزارت جلیله امور خارجه

مرفومه مبارکه مورخه ۲۳ - ۱۲ - ۱۲، صادره از اداره اروپا و آمریکا راجع به مجریده بیگار دزب رسول بشند
با ملاحظه راپرت مورخ اول خرداد نمرة ۷۴، خانلر مبارک از اقدامات پلیس ونه در تحقیق قضیه
مستخضر خواهد شد. حلا بن اذلالی که امروز رسید بناموی نویسنده روزنامه مزبور در برلن جندی است بسکو
آمده و عملا در اینجا اقامت دارد ولی ورود او را خیلی بنهان نگاه میدارند.

در خصوص مسافرت بونه نظرم این بود که مستقیما با اولیای دولت اتریش داخل مذاکره شده مدارک قضی
بسته بیاوریم تا بتوانیم در اینجا اقدامات موثری بنماییم زیرا که یقین داریم بدون داشتن مدرک کافی
هرگونه اقدام در اینجا بیفایده و خسرات همه را متکثر خواهند شد و تصوریم نمیکند از مذاکرات با ریز بومبار
التریز نتیجه مطلوبه حاصل شود در صورت بنده میگویند اصراری بر زیت ونه ندانسته و مرفوم امر بنمایند
حلا بن آن رفتار خواهد شد.

۳۰۹۲
۹۹۸۲
۷۱۸۲/۸۱۲



Abschrift

Kaiserlich Persisches General-Konsulat

Leipzig

Leipzig C 1, le 5 aout 1933
Nikolaistr. 25

A la

Légation Impériale de Perse

B e r l i n

Rapport dans l'affaire des brochures
communistes pour la Perse en 1929 et 1930

Après que l'Allemagne a reçu un gouvernement national-socialiste, le Consulat Général sous-signé a pu obtenir, avec l'assistance de la police d'ici, de nouveaux détails concernant les brochures communistes qui avaient été imprimées dans la langue persane à Leipzig en 1929 et 1930 ou peut être plus tôt pour entrer par contrebande en Perse. A cette époque on avait constaté, où à Leipzig une partie des brochures en question avait été imprimée, et ensuite la Légation Impériale à Berlin avait fait sans délai toutes les démarches nécessaires auprès le Ministère des Affaires Etrangères à Berlin pour obtenir une confiscation de ces brochures. Mais tous les efforts du Consulat Général sous-signé avec l'assistance des Messieurs de la Légation Impériale et surtout avec l'assistance des Messieurs du Ministère des Affaires Etrangères n'avaient eu que peu de succès, probablement par suite de l'attitude passive du gouvernement socialiste d'alors à Leipzig (Saxe), quoiqu'il semblât que nous avions l'aide de la police saxonne. Maintenant le mauvais succès de notre action d'alors s'explique comme suit:

..../



Comme on a constaté maintenant, le président de la police d'alors à Leipzig, Monsieur Fleissner, à qui le gouvernement du "Reich" était obligé de s'adresser, n'avait rien entrepris contre les communistes. Au contraire il avait toujours informé les communistes des démarches de la Légation Impériale et du gouvernement du "Reich", de sorte que les éditeurs des brochures communistes étaient toujours avertis et étaient à même de faire disparaître les brochures en question. Dans ce cas spécial on peut produire des preuves exactes contre Monsieur Fleissner, mais il est sûr dans des cas semblables il avait averti des communistes qui devaient être arrêtés, de sorte que l'on ne peut douter que Monsieur Fleissner avait eu aussi les mains dans notre affaire. Sans doute c'était la raison que tous les efforts de la Légation Impériale devaient être sans résultat, malgré ce que nous avons toute l'assistance du gouvernement du "Reich". Il sera très intéressant pour le Gouvernement Impérial d'apprendre que Monsieur Fleissner était membre du parti socialiste radical, et qu'il avait toujours sympathisé avec les communistes. Maintenant il se trouve en prévention.

Le président de la police d'aujourd'hui à Leipzig était si aimable d'accorder un entretien au sous-signé et de confirmer les détails sus-mentionnés.

Le Consulat Impérial de Perse à Leipzig
(sig). Hermann Ahlswede
Consul Général



تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۱۲

نمره ۲۰۴۷



سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

محرمانه است

وزارت جلیله امور خارجه

Handwritten notes and stamps including the date 17/4/1312 and other illegible markings.

علما بمرقومه محترمه مورخه ۲۲-۲۳-۱۲-۴-۹۹۸۴ در باب روزنا مه بیگا ریاستخا ربطا طرمبارک میرساند
 مطابق اطلاعیه که از یک منبع غیر مستقیم و خصوصی پیدا کرده ام باستخوف محبر کبیرید بدشووی در طهران
 در نتیجه مذاکراتیکه بنده در باب روزنا مه مزبور با سنا را لیه نموده بودم و تفصیل آن در ضمن راپرت مورخه ۲۶ خرداد
 ۱۳۱۲ نمره ۳۴۹ مشروحاً بعرض رسیده قبلاً حرکت جطرف طهران در نزد مقامات مربوطه مشوروی اقدامی
 نموده کحتی المعذور از این قبیل نشریات که بغیر از تولید کدورت در بین ملکین نتیجه دیگر ندارد جلوگیری
 شود و مخصوصاً تفاقا کرده که از انتشار بیگا رملاصرف نظر میکنند و بنا بر این در کومینتین قرار گاشته اند
 که روزنا مه بیگا ر موقتا تعطیل شود و جلوی راهم کجندی است برای ینگا ر بسکوا آمده است در مدرسه کومینستی
 که بمضمر خارجه نشیکه میخراهند با اصول و آدب کومینستی آشنا شوند میباید گاشته اند .
 در نظر دارم جلوریکه لیا زه فرموده اند در مسافر تیکه عنعرب برای تسلیم نام معای خود به لیتوانی و لونی
 خولم کرد دوسه روزی هم بونه رفته و در اینباب با اولیای دولت اطریمن مذاکره نمایم تا اینکه بتوانم مدارک
 قطعی برای اثبات اینکه روزنا مه مزبور در سکو طبع میشده بستم بیاورم زیرا که داشتن چنین مدارک از انتشار
 روزنا مه مزبور در آتیه نیز جلوگیری خواهد نمود .

Handwritten signature

Handwritten signatures and notes at the bottom of the page.

۲۳۲
 پرونده ویژه صد مین سالگرد کودتای سیاه رضاخان (۲)
 دوره سوم ■ سال هجدهم ■ شماره ۶۷ و ۶۸ ■ چهار و تابستان ۱۴۰۰



موزه ملی، ماسوله ۱۳۱۲
 ۱۳۲۲
 شماره ۱
 شماره ۱

ایران

۱۳۱۳

وزارت معارف و اوقاف

در خصوص...
 وزارت معارف و اوقاف...
 در تاریخ...
 وزارت معارف و اوقاف...
 در تاریخ...
 وزارت معارف و اوقاف...
 در تاریخ...

[Handwritten signature]

۲۱۸۵۲
 ۱۳۱۳

[Handwritten signature]

